

«زندگی عبارت است از امتحان، نه بیشتر و نه کمتر و هرآنچه در
اطراف توست، عبارت است از پرسش‌های این امتحان
ثروت و فقر
اموال، فرزندان
مردمان اطراف
منیت، آبرویت، کرامت....
هر روز از زندگی‌ات، پرسش‌هایی به تو روی می‌آورد و
خداوند می‌نگرد که چگونه پاسخ می‌دهی....»

سید احمد الحسن، پیام صفحهٔ ایکس، ۱۴ آگوست ۲۰۲۵م

بازگشت به لبهٔ پرتگاه جاهلیت؛ پیامد
ترک آل محمد ﷺ

راه حل در خانهٔ شماست
قسمت ششم: کودک بدغذای من!

خودسازی در بستر خودشناسی

حملةٔ اعراب به ایران | قسمت پنجم

سفر پررنج مؤمن، از مرگ تا بهشت

از «بن لادن» تا «جولانی»



سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پایه‌های خرد

فهرست

حملهٔ اعراب به ایران..... ۳

از «بن لادن» تا «جولانی»: بازخوانی مهندسی گروه‌های
افراطی و بنیادگرایی در سیاست آمریکا..... ۹

بازگشت به لبهٔ پرتگاه جاهلیت؛ پیامد ترک آل محمد (ع)..... ۲۵

خودسازی در بستر خودشناسی | قسمت اول..... ۳۶

المنقذ، روایت‌های انتخاب‌شده سلسله مقالات تربیت
فرزند..... ۴۶

فرازهایی از خطبه‌های نماز جمعه..... ۵۱



نشریه زمان ظهور

شماره ۲۱۲، جمعه ۱۴ شهریور ۱۴۰۴،
۱۲ ربیع الاول ۱۴۴۶، ۵ سپتامبر ۲۰۲۵
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:

WWW.VARESin.ORG

WWW.ALMAHDYOON.CO



هرگونه برداشت از نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على محمد وآله الطاهرين

حملة اعراب به ایران

به قلم میعاد مسعودی

| قسمت پنجم

در مقاله گذشته، شرح اوضاع اعراب و حکومت ایران تا زمان وفات رسول خدا (ص) (سال ۱۱ هجری قمری) بیان شد. در آن مقاله، انحراف مسیر اسلامی که پیامبر (ص) آن را بنیان نهاده بود بررسی گردید و توطئه اصحاب برای غصب خلافت نیز تبیین شد. در این مقاله، قصد داریم شعله‌ور شدن آتش جنگ و کشورگشایی‌های خلفا پس از رسول خدا (ص) را بررسی کنیم و اهداف جاهلی افراد مداخله‌گر را بازگو نماییم.



بازان نخستین فرمانروای ایرانی مسلمان است که برخی، نام او را در شمار اصحاب پیامبر (ص) نوشته‌اند. اما فرمانروایان ایرانی یمن نیز سرنوشت خوبی نیافتند... اسود عنسی (مدعی دروغین رسالت) «شهر بن بازان» (فرزند بازان، حاکم ایرانی صنعا) را که او و پدرش منصوب پیامبر (ص) بودند، به قتل رساند و همسر وی، «مرزبان» را به اجبار به همسری خود درآورد. [۱] اسود عنسی نیز سرانجام به دست فیروز دیلمی که او نیز همراه با بازان اسلام آورده بود کشته شد و انتقام شهر بن بازان از او ستانده شد. این وقایع، پیش از خلافت ابوبکر بر حاکمان ایرانی گذشت.

شلاق اهریمن بر پیکر ایران زمین:

در شرایطی که اشراف زادگان سرگرم نزاع و کشتار یکدیگر برای کسب قدرت بودند، مالیات‌های سنگین توان زیستن را از مردم ایران گرفته بود و فساد روحانیون زرتشتی و سوءاستفاده آنان از جایگاهشان اعتماد مردم را سلب کرده بود. در چنین شرایطی، گرگ‌ها از تاریکی سر برآورده و طمع دریدن و قتل عام ایرانیان را داشتند... اما این گرگ‌ها دیگر از جنس امپراتوری روم نبودند؛ بلکه از اعرابی بودند که به فرستاده خدا در سرزمین خود خیانت کرده بودند. آنان با فریب مسلمانان، غریزه جاهلی نهفته در وجودشان را شعله‌ور ساخته و حقیقت و نوری را که محمد (ص) برافروخته بود، هدف قرار داده بودند. بازان بن ساسان (یا به روایتی بازان بن مهران) که از اشراف زادگان ایران و حاکم منصوب خسرو پرویز در یمن بود، پس از مسلمان شدن با معجزه رسول خدا (خبر دادن از مرگ خسرو پرویز)، در سال دهم هجری کشته شد و پسرش «شهر» به دستور پیامبر (ص) جانشین وی در یمن شد.



آغاز تجاوز به مرزهای ایران زمین:

ضعف و فتوری که در کار ساسانیان پدید آمده بود، این گستاخی‌ها را بی‌کیفر می‌گذاشت. به همین سبب، رهنان هر روز دلیرتر می‌شدند. مثنی نامه‌ای به ابوبکر نوشت، ضعف و سستی کار ایران را باز نمود و از او مدد خواست تا برای نشر اسلام در ثغر ایران به جهاد پردازد. مثنی طمع داشت که شاید ابوبکر لشکری تعبیه کند و او را بر آن لشکر امیر گرداند. اما ابوبکر، خالد بن ولید را به این مهم گماشت و مثنی را زیر فرمان او قرار داد [۳].

عبدالحسین زرین کوب این‌گونه آغاز تجاوز را شرح می‌دهد:

«در روزگار خلافت ابوبکر، دو تن از جنگجویان قبیلهٔ بکر بن وائل، یکی مثنی بن حارثه و دیگری سوبیدن قطبه، در سرحدات ایران دست به تجاوز و غارت زدند. مثنی در حدود حیره رهنی می‌کرد و سوبید در حدود اَبَلَه بود [۲].

نبردهای زمان ابوبکر در سال ۱۲ هجری قمری با ساسانیان:

۱. نبرد ذات السلاسل (نبرد زنجیر)

• مکان: منطقه‌ای در جنوب عراق

• شرح: این نبرد با فرماندهی خالد بن ولید علیه نیروهای ساسانی و متحدان عرب آن‌ها رخ داد. نام «ذات السلاسل» به دلیل زنجیرهایی است که گفته می‌شود سربازان ساسانی برای جلوگیری از فرار به یکدیگر بسته بودند. این نبرد با پیروزی مسلمانان پایان یافت و راه برای پیشروی به سمت عراق باز شد. [۴]

۲. نبرد مذار

• مکان: حوالی بصره در عراق

• شرح: پس از پیروزی در ذات السلاسل، خالد بن ولید به سمت مذار حرکت کرد و با نیروهای ساسانی مواجه شد. این نبرد با پیروزی قاطع مسلمانان به پایان رسید. [۵]

۳. نبرد ولجه

• مکان: منطقه‌ای در جنوب عراق

• شرح: سپاه مسلمانان به فرماندهی خالد بن ولید با نیروهای ساسانی و متحدان عرب درگیر شد و با تاکتیک‌های نظامی، دشمن را شکست داد. [۶]

۴. نبرد آئیس

• **مکان:** نزدیکی رود فرات در عراق

• **شرح:** شدت خشونت و تعداد بالای کشته‌ها باعث شد این نبرد را «یوم الدم» «روز خون» بنامند. خالد بن ولید، پس از پیروزی، به نذر خود عمل کرد و اسیران را گرد آورد و آنها را اعدام کرد.

براساس گزارش‌های تاریخی، خالد بن ولید پیش از آغاز نبرد، نذر کرد که اگر خداوند او را بر دشمن پیروز گرداند، رودخانه را با خون آنان پر کند. پس از پیروزی مسلمانان، خالد برای عمل به نذر خود، دستور داد اسیران جنگی را در کنار رودخانه گرد آورده و آنها را اعدام کنند تا خونشان در آب رودخانه جاری شود. این اقدام باعث شد که این رودخانه به «نهر الدم» «رود خون» معروف شود. [۷]

۵. نبرد انبار

• **مکان:** شهر انبار (غرب عراق)

• **شرح:** خالد بن ولید با محاصره شهر انبار و استفاده از تاکتیک‌های نظامی، مدافعان ساسانی را وادار به تسلیم کرد و شهر را به تصرف درآورد. [۸]

۶. نبرد عین التمر

• **مکان:** منطقه عین التمر در

عراق

• **شرح:** در این نبرد، خالد بن ولید

با نیروهای ساسانی و متحدان عرب آنها مواجه شد و پس از پیروزی، منطقه را به کنترل مسلمانان درآورد. [۹]

۷. نبرد دومة الجندل

• **مکان:** شهر دومة الجندل در

شمال عربستان

• **شرح:** خالد بن ولید با نیروهای

محلی متحد ساسانیان در این منطقه جنگید و پس از پیروزی، نفوذ مسلمانان را در منطقه گسترش داد. [۱۰]

۸. نبرد فراض

• **مکان:** حوالی مرزهای امپراتوری

روم شرقی

• **شرح:** در این نبرد، سپاه

مسلمانان با نیروهای ساسانی، رومی و عرب‌های مسیحی مواجه شد و توانست پیروزی ارزشمندی را به دست آورد. [۱۱]

این نبردها نقش مهمی در تضعیف امپراتوری ساسانی ایران داشتند. جنایتی که خالد بن ولید در نبرد اَلیس و واقعه یوم‌الدم داشت، شباهت بسیاری به اعمال داعش و وهابیت در عصر کنونی دارد. می‌توان داعش را میراث‌دار افراد خون‌خوار آن زمان دانست که با نام اسلام دست به جنایات وحشتناکی می‌زدند.

شخصیت خالد بن ولید

قبل از اسلام:

- خالد در خانواده‌ای ثروتمند و جنگجو بزرگ شد. پدرش، "ولید بن مغیره"، یکی از بزرگان قریش بود.
- در ابتدا از دشمنان اسلام بود و در نبرد احد نقش مهمی در شکست مسلمانان داشت.

خالد پس از پیمان حدیبیه و دیدن رشد اسلام، در سال ۸ هجری به اسلام گروید.

ماجرای قتل مالک بن نویره و زنا با همسر مالک پس از قتل او:

مالک بن نویره از بزرگان و شجاعان عرب و از اصحاب پیامبر اسلام (ص) بود که پس از وفات پیامبر، از پرداخت زکات به خلیفه وقت، ابوبکر، خودداری کرد. ابوبکر این اقدام را به‌عنوان ارتداد تلقی کرده و خالد بن ولید را برای مقابله با او فرستاد. خالد پس از دستگیری مالک و یارانش، دستور قتل آنها را صادر کرد و سپس به همسر مالک تجاوز نمود. این اقدام خالد باعث اعتراضاتی شد، به‌ویژه از سوی عمر بن خطاب.

واکنش عمر بن خطاب و ابوبکر:

پس از اطلاع از این وقایع، عمر بن خطاب به ابوبکر گفت: «خالد زنا کرده است، او را سنگسار کن.» اما ابوبکر پاسخ داد: «من او را سنگسار نخواهم کرد؛ زیرا او اجتهاد کرده و اشتباه نموده است.» عمر سپس گفت: «او مرد مسلمانی را کشته است، او را قصاص کن.» ابوبکر پاسخ داد: «من او را نخواهم کشت؛ زیرا او اجتهاد کرده و خطا کرده است.» در نهایت، عمر پیشنهاد داد که حداقل خالد را از فرماندهی برکنار کنند، اما ابوبکر گفت: «من شمشیری را که خداوند بر علیه دشمنانش کشیده است، در غلاف نخواهم گذاشت.» [۱۲]

نقشهٔ ترور علی بن ابی طالب به وسیلهٔ خالد بن ولید:

این گونه، اولین تجاوزات با هدف غارت و چپاول در پوشش اسلام و جهاد آغاز شد. اما حکومت ابوبکر تنها دو سال به طول انجامید. او در سال ۱۳ هجری قمری به کام مرگ رفت و حکومت را به عمر بن خطاب وصیت کرد. در این شرایط، علی بن ابی طالب (ع) که به جنگاوری و شجاعت شهره بود، پس از غصب خلافتش و عدم همراهی مردم با او، خانه نشین شده بود. اما عمر بن خطاب مسیر ابوبکر را ادامه داد و این جنگ‌ها را به اوج خود رساند.

در مقالهٔ آینده، به دورهٔ حکومت عمر و نبرد با ساسانیان خواهیم پرداخت.
با ما همراه باشید.

ابو سعد عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی، از علمای برجستهٔ اهل سنت در قرن ششم هجری، در کتاب خود به نام "الأنساب" به این ماجرا اشاره کرده است. وی نقل می‌کند که: «يعقوب رواجی، استاد بخاری، روایت کرده است که ابوبکر گفت: «خالد آنچه را به او دستور داده شده است، انجام ندهد.» از سید عمر بن ابراهیم حسینی در کوفه پرسیدم که معنای این روایت چیست؟ او گفت: به خالد دستور داده شده بود که علی را بکشد، اما سپس از این کار پشیمان شده و او را از انجام آن نهی کرد.» [۱۳] این نقل قول نشان می‌دهد که ابوبکر ابتدا به خالد بن ولید دستور ترور امام علی (ع) را داده، اما بعداً از این تصمیم منصرف شده است...

منابع:

- [۱] بلاذری، فتوح البلدان، ۱۹۵۶م، ج ۱، ص ۱۲۵.
- [۲] اخبار الطوال، ص ۱۰۷.
- [۳] دو قرن سکوت، ص ۵۵.
- [۴] تاریخ ایران باستان، نوشته پیرنیا، ص ۳۵۸.
- [۵] زرین کوب، ص ۲۹۸.
- [۶] تاریخ ده هزار ساله ایران، ص ۱۲۲.
- [۷] طبری، جلد چهارم، ص ۱۴۹۱ تا ۱۴۹۵.
- [۸] زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۳۰۴.
- [۹] زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۳۰۴.
- [۱۰] تاریخ طبری، جلد چهارم، ص ۱۵۱۷ تا ۱۵۱۶.
- [۱۱] تاریخ طبری، جلد چهارم، ص ۱۵۲۳.
- [۱۲] الکامل فی التاریخ، اثر ابن اثیر، جلد دوم، صفحات ۳۵۷ تا ۳۵۸؛ کتاب "شرح نهج البلاغه"، اثر ابن ابی الحدید، در جلد ۱۷، صفحه ۲۰۲.
- [۱۳] الأنساب، اثر عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی السمعانی، جلد ششم، صفحه ۱۷۶.

از «بن لادن» تا «جولانی»: بازخوانی مهندسی گروه‌های افراطی و بنیادگرایی در سیاست آمریکا بررسی تحلیلی توییت دکتر توفیق مسرور درباره پروژه‌های امنیتی آمریکا و ظهور تندروی دینی به قلم عباس فتحی

مقدمه

در فضای رسانه‌ای عربی، دانشمندان و تحلیلگران سیاسی بسیاری با دیدگاهی انتقادی به سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه نگاه می‌کنند. یکی از این دانشمندان و تحلیلگران، دکتر توفیق مسرور است که در توییتی کوتاه اما پربار، به بررسی نقش آمریکا در شکل‌گیری و بازیافت گروه‌های تندرو، از دهه ۱۹۸۰ تا امروز پرداخته است. [۱]
در این مقاله، نخست شخصیت و رزومه علمی دکتر توفیق مسرور، سپس ترجمه دقیق این پیام را ارائه می‌کنیم، سپس با رویکردی تحلیلی، صحت و پشتوانه‌های این دیدگاه، و ارتباطش با مسائل آخرالزمانی خاورمیانه را بررسی خواهیم کرد.



دکتر توفیق مسرور کیست؟

او نه تنها در جایگاه یک استاد دانشگاهی و عضو هیئت علمی فعال در مراکش شناخته می‌شود، بلکه در سطح بین‌المللی نیز با مراکز دانشگاهی در فرانسه و کانادا همکاری داشته و در پروژه‌های میان‌رشته‌ای هوش مصنوعی و تصمیم‌سازی صنعتی مشارکت کرده است.

دکتر توفیق مسرور از جمله پژوهشگران برجسته حوزه ریاضیات کاربردی، مدل‌سازی سیستم‌های پیچیده، و هوش مصنوعی صنعتی است که طی بیش از دو دهه، در بسترهای آکادمیک و صنعتی، به توسعه روش‌های تحلیلی و هوشمند در مدیریت عملیات، کنترل بهینه و تحلیل داده‌های بزرگ پرداخته است.

سوابق تحصیلی:

سال	کشور	دانشگاه	مدرک
۱۹۹۵	فرانسه	École des Ponts ParisTech	دکتری در ریاضیات کاربردی و انفورماتیک
۱۹۹۲	فرانسه	École Polytechnique و دانشگاه پاریس ۶	DEA (کارشناسی ارشد پژوهشی) در مدل‌سازی و محاسبات علمی
—	مراکش	دانشگاه محمد پنجم رباط	کارشناسی ارشد در ریاضیات کاربردی

سمت‌ها و فعالیت‌های دانشگاهی:

- استاد تمام در مدرسه عالی علوم کاربردی مهندسين (ENSAM – Meknès) وابسته به دانشگاه مولای اسماعیل مراکش
- رئیس گروه پژوهشی IASI (هوش مصنوعی برای علوم مهندسی)
- عضو فعال آزمایشگاه L²M³S (مدل‌سازی ریاضی، شبیه‌سازی و سیستم‌های هوشمند)
- ویراستار علمی در مجلات معتبر بین‌المللی در زمینه سیستم‌های هوشمند و هوش مصنوعی صنعتی
- همکاری پژوهشی با (UQAR) Université du Québec à Rimouski کانادا.

حوزه‌های تخصصی پژوهش:

- مدل‌سازی ریاضی سامانه‌های پیچیده (Complex Systems)
- نظریه کنترل بهینه و کاربرد آن در صنعت
- هوش مصنوعی برای مدیریت هوشمند عملیات (AI in Smart Operations)
- پیش‌بینی شاخص‌های بهره‌وری در تولید صنعتی (مثل OEE)
- تصمیم‌گیری چندهدفه با الگوریتم‌های یادگیری ماشین.



کتاب‌ها و آثار علمی منتشرشده:

Artificial Intelligence and Industrial Applications: Smart Operation Management
 ناشر: Springer (سری Advances in Intelligent Systems and Computing)
 ویراستار: Dr. Tawfik Masrour et al.
 تحقیق و مقدمه: کتاب «وهم الإلحاد؛ آیات الربوبية فی الکون»، توهّم بی‌خدایی، نشانه‌های
 پروردگار در هستی، نوشته "احمد الحسن".

مقالات پژوهشی منتخب:

در ادامه، برخی از مهم‌ترین مقالات علمی منتشرشده توسط توفیق دکتر مسرور را می‌آوریم:

ردیف	سال	مجله / کنفرانس	عنوان مقاله
۱	۲۰۲۳	International Journal of Artificial Intelligence (IJAI)	Predicting Overall Equipment Effectiveness Using Random Forest Algorithms
۲	۲۰۲۲	International Journal on Natural Language Computing (IJNLC)	Arabic Semantic Text Classification Based on Wavelet Spectral Features and CNN
۳	۲۰۲۱	AI&I Conference – IEEE	Decision Support Model for Smart Maintenance Using Multi-Criteria Decision Analysis
۴	۲۰۲۰	Journal of Manufacturing Science	Modeling Energy Consumption in Smart Manufacturing Systems Using Genetic Algorithms
۵	۲۰۲۰	International Conference on Industrial Engineering and Operations Management (IEOM)	AI-Driven KPI Optimization in Automotive Industry

(تعدادی از مقالات از پروفایل Google Scholar و انتشارات IJAESCORE و Springer استخراج شده‌اند).

همکاری‌های علمی بین‌المللی:

- همکاری فعال با دانشگاه‌های فرانسه، کانادا، تونس و الجزایر در پروژه‌های پژوهشی مشترک
- عضویت در پنل داور کنفرانس‌های بین‌المللی حوزه AI، سیستم‌های هوشمند، و علوم داده
- مشارکت در پروژه‌های صنعتی با شرکت‌های تولیدی در حوزه خودروسازی و انرژی.

با توجه به رزومه علمی - پژوهشی او می‌توان گفت که دکتر توفیق مسرور نه تنها یک چهره آکادمیک و علمی برجسته در جهان عرب است، بلکه دیدگاه‌های تحلیلی او درباره سیاست‌های جهانی، بر پایه شناخت عمیق از "الگوهای ریاضی، قدرت و کنترل اطلاعاتی" بنا شده است. ترکیب سواد علمی با تحلیل‌های راهبردی، موجب شده تحلیل‌های او در فضای رسانه‌ای و نخبگانی توجه‌برانگیز باشد.

ترجمه توییت دکتر توفیق مسرور

«از بن لادن تا جولانی ... شرط بندی ها و ساخته های آمریکا!
بیش از ۴۵ سال بهره برداری و بازیافت چهره ها و گروه ها ...
شاید نتوان با قطعیت گفت که سازمان CIA یا MI۶ تمام جزئیات این سناریو را نوشته اند،
اما الگو واضح است:
از افغانستان ... تا عراق ... تا سوریه ... تا ...
* ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹: عملیات Cyclone
* ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷: عملیات Timber Sycamore
* پروژه ۲۰۲۵: تربیت «وحش آینده» [۲] ...
لغو دموکراسی و حرکت به سوی «یک حزب دینی واحد» در آمریکا،
و حذف تمام ادیان دیگر در جهان!»

۱. تاریخچه پرورش «وحش ها»

دکتر توفیق مسرور معتقد است که آمریکا از دهه ۱۹۸۰ تا کنون، با طراحی یا استفاده از گروه های تندرو اسلامی، اهداف استراتژیک خود را در مناطقی مانند افغانستان، عراق و سوریه پیش برده است. اشاره او به «بازیافت» چهره ها، استعاره ای است از استفاده چندباره و تاکتیکی از گروه هایی مانند القاعده، داعش و جبهه النصره.

۲. عملیات های مشابه اطلاعاتی مستند:

دو پروژه خاص در این پیام برجسته می شوند:
عملیات طوفان (Operation Cyclone) در سال های ۱۹۷۹-۱۹۸۹: یک پروژه رسمی و مستند توسط CIA برای تسلیح مجاهدین افغان علیه حکومت وقت شوروی. این پروژه همان طور که می دانید به سرعت، زمینه ساز قدرت گیری گروه های افراطی مانند طالبان و القاعده شد!
عملیات چوب چنار (Timber Sycamore) در سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۷: برنامه ای نیمه محرمانه برای تسلیح و آموزش شورشیان سوری، که بخشی از آن بعدها به جبهه النصره یا داعش رسید. این موضوع از سوی رسانه هایی چون نیویورک تایمز و الجزیره گزارش شد.

۳. پروژه ۲۰۲۵: بنیادگرایی مسیحی در خود آمریکا:

دکتر توفیق مسرور با نگاهی هشدارآمیز به طرحی جدید اشاره می کند:
Project ۲۰۲۵، که از سوی نهادهای محافظه کار آمریکایی طراحی شده، با هدف بازسازی ساختار دولت فدرال بر مبنای ایدئولوژی مسیحیت انجیلی افراطی.
این پروژه خواستار کاهش دموکراسی لیبرال، حذف نهادهای مستقل، و حتی تأکید بر دین رسمی مسیحی است؛ امری که تحلیلگران آن را نوعی «دگردیسی دینی در ساختار دولت آمریکا» توصیف کرده اند.

آیا این تحلیل، در بستر "تئوری توطئه" است؟

منطق علمی و واقع‌گرایی میدانی فاصله دارد.

البته باید توجه داشت «تئوری توطئه»، در صورتی که به شواهد عینی و قابل سنجش تکیه کند، لزوماً مردود نیست و می‌تواند شکلی از تحلیل انتقادی باشد.

تفاوت آن با دیدگاه‌های سطحی و شتاب‌زده‌ای است که هر پدیدهٔ سیاسی یا اجتماعی را تنها براساس شباهت‌های ظاهری یا توالی رویدادها تحلیل می‌کنند، و به‌جای پژوهش، از روش‌هایی مشابه با نگاه طنزآلود «دایی جان ناپلئونی» [۳] بهره می‌گیرند؛ روش‌هایی که گرچه ساده‌ترین و در نگاه اول جذاب‌ترین شکل تحلیل هستند [۴]، اما با روش علمی فاصله‌ای جدی دارند.

جنگ‌زده، در بسیاری موارد با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ همراه بوده و الگویی تکرارشونده در تاریخ معاصر است.

با این حال، مرزی ظریف با «تئوری توطئه کلاسیک» وجود دارد:

اگر تصور کنیم که تمام این وقایع به‌صورت کاملاً طراحی‌شده، هماهنگ و بدون هیچ‌گونه خطا یا پیچیدگی بومی رخ داده‌اند، وارد فضایی می‌شویم که اغلب با عنوان «تئوری توطئه کلاسیک» شناخته می‌شود؛ رویکردی که بر کنترل مطلق وقایع توسط گروه‌های مخفی جهانی تأکید دارد، و از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران علوم اجتماعی، با

شاید اکنون این پرسش اساسی برای بسیاری از مخاطبان مطرح شود:

آیا چنین نگاهی بر شواهد قابل اتکا استوار است، یا صرفاً در قالب یک «تئوری توطئه افراطی» قرار می‌گیرد؟

بخش‌های مستند و قابل استناد از تحلیل دکتر توفیق مسرور عبارت‌اند از:

دو پروژهٔ Operation Cyclone و Timber Sycamore که از سوی منابع رسمی و گزارش‌های تحقیقی متعدد تأیید شده‌اند؛ پروژهٔ Project ۲۰۲۵ نیز یک سند واقعی و منتشرشده است که متن کامل آن به‌صورت عمومی در دسترس است؛ رشد گروه‌های افراطی در مناطق

چرا آمریکا از گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا حمایت می‌کند؟

غیرمستقیم، ایجاد و تقویت کرده است؟ همچنین در داخل خاک آمریکا، چرا برخی جناح‌های سیاسی به‌سوی نوعی "بنیادگرایی دینی مسیحی" گرایش دارند؟

آیا این تحولات جدا از هم‌اند یا بخشی از یک استراتژی چندلایه‌اند؟

در این فصل، با تکیه بر شواهد تاریخی، نظریه‌های ژئوپلیتیک، و مستندات رسمی، به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهیم.

در این بخش، درصدد ارائهٔ تحلیل منافع استراتژیک، مهندسی ژئوپلیتیک و ایدئولوژی آخرازمانی در سیاست آمریکایی هستیم. یکی از سؤالات کلیدی در تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده طی چند دههٔ گذشته، این است:

چرا ایالات متحدهٔ آمریکا به‌عنوان کشوری که ظاهراً مدافع آزادی، دموکراسی و سکولاریسم است، در عمل در بسیاری از بحران‌ها، با گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا همکاری کرده یا آنها را به‌طور مستقیم یا



منافع استراتژیک آمریکا در مهندسی گروه‌های افراطی:

۲. بی‌ثبات‌سازی دائم برای تداوم وابستگی: نظریه «مدیریت هرج و مرج» (Chaos Management) در اندیشه‌هایی مانند RAND و Brookings مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این دیدگاه، ایالات متحده به جای ایجاد ثبات، به مدیریت بحران‌های دائمی علاقه‌مند است.

این سیاست کلان آمریکایی شواهد مهم و معتبری دارد، از جمله: طبق گزارش مؤسسه SIPRI، فروش تسلیحات آمریکا به خاورمیانه بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ از مرز ۱۱۰ میلیارد دلار فراتر رفته است (Fact Sheet, ۲۰۲۱).

۳. تولید دشمن دائمی برای مشروعیت‌سازی داخلی: پس از پایان جنگ سرد، نیاز به «دشمن» برای توجیه ساختارهای امنیتی باقی ماند:

- دهه ۸۰: کمونیسم
- دهه ۹۰: به بعد: اسلام رادیکال
- امروز: چین و بنیادگرایی داخلی (از دید دموکرات‌ها)

ناعوم چامسکی جمله معروف و بسیار مهمی دارد که می‌گفت: «اگر دشمن واقعی وجود نداشته باشد، باید ساخته شود.» (Chomsky, ۲۰۰۲, "Media Control")

۱. شکستن بلوک‌های مقاومت منطقه‌ای: آمریکا، به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی، با سه بلوک ژئوپلیتیک چالش‌برانگیز مواجه بوده است:

- جمهوری اسلامی ایران و جریانی که به عنوان محور مقاومت شیعی شناخته می‌شود
- پان عرب‌های ملی‌گرا (سکولارهایی مانند صدام، قذافی، اسد)
- جریان‌های اسلام سیاسی نسبتاً مستقل (اخوان المسلمین، حماس)

ایالات متحده آمریکا با تقویت گروه‌های تندرو سنی مانند القاعده و داعش در مناطقی مانند عراق و سوریه، به طور عملی، در پی چند هدف است:

- توازن قوا را به هم می‌زند؛
- جنبش‌های مقاومت را با بحران مذهبی داخلی روبه‌رو می‌کند (جنگ شیعه-سنی)؛
- دولت‌های مستقل منطقه‌ای را تضعیف می‌سازد.

سند افشاشده پنتاگون (۲۰۱۲) به وضوح هشدار می‌دهد که ایجاد یک "امارت سلفی" در شرق سوریه می‌تواند در راستای اهداف آمریکا علیه اسد و ایران باشد (Judicial Watch, ۲۰۱۵).

العربية

alarabiya

أمیرکا تراهن علی الشرع

تجارت تسلیحات؛ محرک خاموش بحران سازی

یکی از عوامل کلیدی درک سیاست خارجی آمریکا، توجه به نقش حیاتی تجارت تسلیحات در اقتصاد این کشور است. برخلاف تصور رایج، تجارت اسلحه در ایالات متحده دومین صنعت بزرگ اقتصادی محسوب نمی‌شود، اما بدون تردید یکی از بزرگ‌ترین و استراتژیک‌ترین صنایع این کشور است. آمریکا در سال‌های اخیر بیش از ۴۰ درصد صادرات تسلیحات جهان را در اختیار داشته و هم‌اکنون نیز با اختلاف، بزرگ‌ترین صادرکننده سلاح در جهان به شمار می‌رود.

دولتی که بزرگ‌ترین تاجر اسلحه است، به چه بازاری برای پیشرفت و پویایی اقتصادی‌اش نیازمند است؟!

شرکت‌های عظیمی مانند لاکهید مارتین، ریتون، بوئینگ، نورثروپ گرومن و جنرال داینامیکس، هر ساله صدها میلیارد دلار از قراردادهای تسلیحاتی داخلی و خارجی درآمد

کسب می‌کنند. به‌عنوان نمونه، طبق گزارش مؤسسه مطالعات صلح استکهلم (SIPRI)، تنها در سال ۲۰۲۳ مجموع درآمد شرکت‌های دفاعی آمریکایی از فروش تسلیحات به بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار رسیده است. همچنین، بیش از یک‌سوم کل بودجه نظامی جهان مربوط به ایالات متحده است، رقمی که در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۸۳۰ میلیارد دلار رسید.

این ارقام نشان می‌دهد که تداوم و گسترش منازعات منطقه‌ای و درگیری‌های نیابتی، نه تنها جنبه ژئوپلیتیکی، بلکه بُعد اقتصادی مستقیم نیز برای آمریکا دارد. جنگ‌افروزی و بی‌ثباتی در مناطقی چون خاورمیانه، آفریقا و شرق اروپا، زمینه‌ساز انعقاد قراردادهای کلان تسلیحاتی با دولت‌های محلی و همچنین توجیهی برای افزایش بودجه نظامی داخلی ایالات متحده است. از این منظر، شکل‌گیری و

حمایت پنهان یا آشکار از گروه‌های افراطی، می‌تواند بخشی از استراتژی حفظ و گسترش بازار تسلیحات تلقی شود. حتی اگر اثبات نشده بود که دولت آمریکا مستقیماً در ایجاد این گروه‌ها نقش دارد، شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد در بسیاری از موارد، از فرصت بحران‌سازی و ایجاد رعب و ناامنی برای فروش بیشتر تسلیحات استفاده کرده است.

به‌همین دلیل، بسیاری از تحلیلگران باور دارند که سیاست خارجی آمریکا، به‌ویژه در مناطقی چون خاورمیانه، همواره در تعاملی پیچیده میان منافع اقتصادی، اهداف ژئوپلیتیکی و مدیریت افکار عمومی داخلی حرکت کرده است. در این چارچوب، صنعت تسلیحات نه فقط به‌عنوان ابزار قدرت، بلکه به‌مثابه یک موتور محرک بحران‌سازی قابل شناسایی است.



جنگ سازی اقتصادی دولت ترامپ در گفتمان سید احمد الحسن

در یکی از تحلیل‌های عمیق و کمتر دیده شده در گفتمان سیاسی معاصر، سید احمد الحسن به بررسی ریشه‌های اقتصادی سیاست خارجی دولت ترامپ می‌پردازد. وی در جلد اول کتاب «پیک صفحه»، صفحات ۵۸۱ تا ۵۸۲، با نگاهی فرااقتصادی و اخلاق‌محور، پشت‌پرده برخی از تحرکات نظامی آمریکا را چنین تبیین می‌کند:

«گام‌های اقتصادی ترامپ نیازمند تأمین مالی خارجی و سرمایه‌ای است که وارد آمریکا شود. جنگ یا تهدید در سایه جنگ بهترین راه حل است، به خصوص وقتی از مرزهای آمریکا، دور و در منطقه شرق آسیا و اطراف آن باشد؛ منطقه‌ای که سرمایه‌های مالی را جذب کرده و همچنان جذب می‌کند. در نتیجه، این منطقه همچون کیف پول بزرگی است که جنگ یا سایه جنگ می‌تواند آن را باز کند یا دست کم مهاجرت سرمایه‌ها به سویش را متوقف و چه بسا مقداری از این سرمایه‌ها را به آمریکا منتقل کند. موضوع برای ما واضح و روشن است. به همین دلیل همراه افزایش تهدید جنگ هسته‌ای قطعاً همه ساکنان زمین ضرر خواهند کرد، و ما در برابر خدا و همه مردم، مسئولیت تاریخی و اخلاقی آن را بر عهده حکومت آمریکا می‌دانیم؛ زیرا حکومت آمریکا به همراه دیکتاتوری که بر مردم کره شمالی حکم می‌راند، قویاً به این جهت کشانده می‌شود.»

و بخشی از آن سرمایه‌ها به سوی اقتصاد آمریکا کوچ می‌کند، زیرا امنیت مهم‌ترین زیرساخت سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی است. پس اگر پیشرفت اقتصادی فارغ از ارزش‌های انسانی و اخلاقی هدف کلان یک دولت باشد، با ایجاد تهدید و ناامنی روانی و نظامی در کشورهای غنی از نظر ظرفیت انسانی و طبیعی، می‌تواند کشور خودش را به عنوان تنها منطقه امن یا - دست کم - امن‌ترین منطقه برای جلب سرمایه‌گذاری تثبیت کند.

این تحلیل به وضوح نشان می‌دهد که از نگاه سید احمد الحسن، سیاست خارجی دولت ترامپ صرفاً مبتنی بر تقابل نظامی یا ایدئولوژیک نبوده، بلکه ریشه در یک منطق اقتصادی نهفته دارد: جذب سرمایه‌های خارجی از مناطق ثروتمند اما ناپایدار به سمت آمریکا. مناطق شرق آسیا، با تمرکز بالای سرمایه، نوآوری و رشد اقتصادی، از دیدگاه احمد الحسن به مثابه «کیف پول بزرگی» هستند که با ایجاد فضای تنش، ناامنی یا تهدید به جنگ، سرمایه‌هایشان دچار بی‌ثباتی می‌شود



نکته مهم آن که، در اینجا اشاره‌ای غیرمستقیم به فروش اسلحه نیز قابل برداشت است؛ زیرا افزایش تهدید و بحران نظامی، خواه ناخواه، منجر به افزایش تقاضا برای سلاح در منطقه مورد تهدید خواهد شد. با این حال، این تحلیل سید احمد الحسن تمرکز اصلی خود را نه بر سود فروش تسلیحات، بلکه بر جریان سرمایه و منطق مهاجرت مالی استوار کرده است. در نهایت، سید احمد الحسن با لحنی آشکار، نه تنها این سیاست را غیراخلاقی و ضدانسانی می‌داند، بلکه مسئولیت تاریخی آن را متوجه حکومت ایالات متحده می‌داند و از همگان می‌خواهد که نسبت به پیامدهای این استراتژی آگاه باشند.

در واقع، این تحلیل نوعی «الگوی جنگ‌سازی مالی» یا «نامنی برنامه‌ریزی شده برای جذب سرمایه» را تبیین می‌کند؛ یعنی ایجاد بحران و تنش ژئوپلیتیکی با هدف جابه‌جایی سرمایه به سمت آمریکا. چنین رویکردی در میان برخی از حامیان ایدئولوژیک ترامپ در جنبش Make America Great Again (MAGA) نیز بازتاب دارد؛ جنبشی که ترکیبی از ملی‌گرایی اقتصادی، بی‌اعتمادی به نهادهای بین‌المللی، و تمرکز بر احیای اقتدار مالی آمریکا در برابر چین، اروپا و دیگر رقبا دارد. براساس این دیدگاه، آمریکا در برخی موارد به دنبال راه‌اندازی جنگ واقعی نیست، بلکه صرفاً با ایجاد «سایه تهدید» در مناطقی خاص، در پی جابه‌جایی منابع مالی بین‌المللی به نفع خود است.

دلایل رشد شدید بنیادگرایی مذهبی در آمریکا

این مقاله، افکارش را براساس دلایل و شواهد معتبر شکل دهد، نه فضای رسانه‌ای و هیجانات حزبی. در اینجا به دو علت اصلی رواج شدید بنیادگرایی مذهبی [۵] در آمریکا اشاره می‌کنم:

برای بسیاری از دلدادگان به سیاست آمریکایی که همواره تلاش می‌کنند کاخ سفید را مظهر سکولاریزم و لیبرالیسم و دموکراسی معرفی کنند، پذیرش این فکت‌ها ساده نیست، اما امیدوارم خواننده محترم

۳. هم‌پوشانی آخرالزمان دینی با سیاست خارجی: بسیاری از انجیلی‌های افراطی باور دارند که جنگ بزرگ در خاورمیانه بخشی از نقشه بازگشت مسیح است. حمایت مطلق از اسرائیل، و حتی تسریع در جنگ‌های فاجعه‌بار، از دید آنان امری مقدس تلقی می‌شود. (Sutton, M. A. (۲۰۱۴))

۲. Project ۲۰۲۵ و ایدئولوژی حکومت دینی: پروژه Project ۲۰۲۵، منتشرشده توسط بنیاد Heritage، چارچوبی برای بازسازی ساختار دولتی آمریکا بر پایه اصول مسیحیت محافظه‌کار ارائه می‌دهد. بر پایه تحلیل Brookings Institute «Project ۲۰۲۵ نسخه‌ای مدرن از تمامیت‌خواهی دینی در لباس قانون‌گرایی است». (Brookings, ۲۰۲۴)

۱. صعود جریان «مسیحیت انجیلی» در سیاست آمریکا: جریان Evangelical Christianity، به‌ویژه در جنوب و غرب میانه آمریکا، پایگاه اصلی حزب جمهوری خواه شده است. یکی از فکت‌های مهم این است که در انتخابات ۲۰۱۶، ترامپ بیش از ۸۰٪ آرای انجیلی‌ها را کسب کرد (Pew Research Center, ۲۰۱۶).

مقایسه این دو نوع بنیادگرایی باید بگویم: رادیکالیزم و بنیادگرایی مشهود در برخی کشورهای خاورمیانه، از دستاوردهای بنیادگرایی مذهبی حاکم بر سران کاخ سفید است؛ چون آنها اولاً خودشان عمیقاً بنیادگرا هستند، و هم برای منافع ایدئولوژیک و مقاصد سیاسی‌شان به گسترش و حمایت گروهک‌های تندرو مذهبی اهتمام دارند.

در نتیجه، حمایت آمریکا از گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا، بخشی از یک الگوی کلان در مهندسی قدرت و تولید بی‌ثباتی استراتژیک است. هم‌زمان، رشد بنیادگرایی مسیحی در داخل این کشور نیز نشان می‌دهد که ایدئولوژی دینی در خدمت ساختارهای قدرت، نه فقط در برخی کشورهای جهان اسلام، بلکه در خود آمریکا نیز نقش محوری ایفا می‌کند و با

سید احمد الحسن و آنچه در باره بنیادگرایی ترامپ گفته بود

از آنجا که دکتر توفیق مسرور از شاگردان و پیروان "سید احمد الحسن" است، شایسته است در پایان اشاره‌ای به مواضع پیشین سید احمد الحسن در خصوص وضعیت حاکمیت آمریکا و بنیادگرایی مذهبی آنها داشته باشیم: او در ۱۶ مارس ۲۰۱۹ در صفحه فیس‌بوک خود نوشت:

«تروریسم، عقیدتی است. تروریسمی بدون عقیده یا دین وجود ندارد. حمله تروریستی نیوزلند - بی‌هیچ تردیدی - ثابت کرده است خطرناک و جنایت‌کاربودن تفکر تندرو راست مسیحی، کمتر از اندیشه سلفی وهابی نیست. و این که «ترامپ» - و امثال ترامپ - جزو راست‌گرایان افراطی هستند که با «ابوبکر البغدادی» جنایت‌کاری که داعش را رهبری می‌کند تفاوتی ندارند؛ و همه آنها از یک طرز تفکر مجرمانه نژادپرستانه برخوردارند». (احمد الحسن، پیک صفحه، ج ۲، ص ۳۹۹)

همچنین در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۰ در صفحه فیس‌بوکش پستی نوشت با این عنوان: «زمین از شر ترامپ خلاص شد»:

«زمین از شر ترامپ خلاص شد. ترامپ و امثال او که خودخواهی بر آنها چیره شده است، اهمیتی نمی‌دهند که برای زمین و اکوسیستم آن، که در حال حرکت به سمت سقوط و نقطه بی‌بازگشت در طی دو یا سه دهه و نه بیشتر است، و در نتیجه، نهایت آن خالی شدن زمین به‌طور کامل و از دست رفتن آب و زندگی است چه اتفاقی می‌افتد. آنها به نسل‌های آینده و مشکلاتی که ممکن است گرفتارشان شوند اهمیتی نمی‌دهند. این افراد به‌شکلی کاملاً احمقانه گرم شدن کره زمین را انکار می‌کنند؛ حتی اگر با آتش‌سوزی جنگل‌ها و بلایای بزرگ و مکرر زیست‌محیطی به صورتشان سیلی بزند. همچنان به نابودی زمین و اکوسیستم آن ادامه می‌دهند و بر آن پافشاری می‌کنند. همه این‌ها به‌خاطر منافع شخصی محدود است؛ مانند ماندن در قدرت [آن‌هم] به لطف حمایت افرادی نادان که خودخواهی بر آنان مسلط شده و به این همه ویرانی، فروپاشی و لبه پرتگاهی که در زمین به آن رسیده‌ایم هیچ اهمیتی نمی‌دهند». (احمد الحسن، پیک صفحه، ج ۲، ص ۴۸۱ و ۴۸۲)

فعلی جهان (لیبرال دموکراسی) که می‌تواند بستر انتخاب افرادی مانند ترامپ و هیتلر و نتانیاهو شود که به هیچ چیز جز منافع خود و حزب و گروه مذهبی تندروی خویش اهمیت نمی‌دهند، چطور می‌تواند موجب سعادت و آزادی و نجات بشریت باشد؟! آیا تصور نمی‌کنید که ما همیشه و به‌خصوص در این زمان بیش از هر زمان، به یک منجی الهی نیازمندیم؟ نجات‌دهنده‌ای در ادامه و از تبار نوح (ع) و ابراهیم (ع) و موسی (ع) و عیسی (ع) و محمد (ص) و علی (ع)، که هم خودش را از خودکامگی و خودخواهی و خودبینی و خودنمایی و خودپسندی نجات داده باشد، و هم تضمینی الهی وجود داشته باشد بر این که شاگردان و پیروانش را از خودکامگی و خودخواهی نجات می‌دهد، تا در نتیجه، مدیرانی خودساخته برای اداره جهان تربیت کند که جهان ما را از لبه پرتگاه این خودخواهی خانمان‌برانداز نجات دهد.

احتمالاً به این فکر می‌کنید که این دو عبارت از احمد الحسن چه ارتباطی به هم داشتند و عبارت دوم (زمین از شر ترامپ خلاص شد) چه ارتباطی به مطلب اول و موضوع مقاله ما دارد. باید بگویم: کسی که گرفتار خودکامگی است و به محیط زیست و جانداران و زمین و انسان‌ها اهمیت نمی‌دهد، موجود خطرناکی است. حال اگر ایدئولوژی دینی قوی و بنیادگرایانه هم بر ذهن چنین انسان خطرناکی غالب باشد، انگیزه‌ای دوچندان برای نابود کردن زمین و زیست‌گونه‌ها از جمله انسان‌های غیر همسو دارد. به همین جهت، زمانی که ترامپ در دور دوم انتخابات آمریکا در سال ۲۰۲۰ رأی نیاورد، سید احمد الحسن مطلبی نوشت با این عنوان: «زمین از شر ترامپ خلاص شد».

اینک می‌خواهم شما خواننده متفکر و فرهیخته را با یک سؤال چالشی مهم درگیر کنم: نظام حکومتی

پیام اخیر سید احمد الحسن و دفتر رسمی او در نجف

سید احمد الحسن در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۵ در شبکه اجتماعی فیس بوک و ایکس، ضمن پیوست کردن بیانیه رسمی دفترش در نجف، پیامی به زبان عربی نوشت که ترجمه آن به این صورت است:

«آنچه امروزه رخ می دهد، روشن است. این اتفاق، تلاشی برای تحقیر همه امت اسلامی و نقض کرامت هر مرد و زن مسلمان است. صهیونیست ها، کودکان و زنان را در غزه و با حمایت ترامپ می کشند و با گرسنگی، کرامت آنان را نقض می کنند. ترامپ تصریح کرده است که خواستار بمباران ایران است و مقدمات آن در منطقه و اطراف آن، در حال انجام است. هدف این ستمکاران، فقط سرنگونی یک نظام نیست، بلکه ویران کردن ایران اسلامی و تبدیل آن به کشوری شکست خورده است؛ حتی [فراتر از آن] تخریب، ویرانی و تحقیر کشورهای عربی خلیج. آنان به صورت جدی به بمباران سایت های هسته ای در ایران، با بمب های هسته ای تاکتیکی می اندیشند و [اگر چنین کنند] می گویند تشعشعات هسته ای از آن نشت کرده؛ و این آلودگی هسته ای به تمام کشورهای اسلامی منطقه آسیب خواهد رساند. آنان بدون تردید ثابت کرده اند که منحرف، دروغ گو و شیطان هستند؛ حد و مرزی نمی شناسند و از هیچ گونه اخلاق یا ضابطه ای برخوردار نیستند.» [۶]



بیانیه رسمی مکتب نجف (دفتر رسمی سید احمد الحسن)
هم در همان تاریخ نوشته و به پیام سید احمد الحسن
پیوست شده، که در اینجا ترجمه آن را ارائه می‌کنم:

«بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله
الائمة و المهديين و سلم تسليماً
از رسول الله (ص) روایت شده است که فرمود:
«هرکس منکری را دید، آن را با دست خود تغییر دهد.
اگر نتوانست، با زبانش و اگر نتوانست، با قلب خود. و
این مورد، ضعیف‌ترین [درجه] ایمان است.»
آنچه امروز می‌بینیم، یعنی تلاش اسرائیل و آمریکا در
جهت نابود کردن کشور مسلمان ایران و تبدیل آن به
کشوری ورشکسته و فروپاشیده - همان طور که قبلاً در
کشورهای دیگر، چنین کردند - جنایتی رسوا و مُنگری
عظیم به شمار می‌آید که لازم است هر مسلمانی آن را
محکوم کند و برای تغییر و محقق نشدن آن بکوشد.
براساس این واجب شرعی و انسانی، ما علمای
مسلمان را - دست‌کم - به اعلان صریح حمایت و
همبستگی‌شان با کشور ایران فرامی‌خوانیم؛ و اعلام
می‌کنیم که اگر کشور ایران در معرض بمباران وحشیانه
و ظالمانه آمریکا قرار گیرد، هرکاری را که برایمان ممکن
و مقدور باشد، انجام خواهیم داد.
و الحمد لله وحده.

مکتب سید احمد الحسن

نجف اشرف

۲۴ ذی الحجه ۱۴۴۶ هجری

۲۰/۶/۲۰۲۵ میلادی. [۷]

شاید این افراد و احزاب یا علمایی که اکنون سکوت اختیار کرده‌اند، تصور می‌کنند که همبستگی با دولت ایران آنها را در معرض خطر قرار می‌دهد و عافیت و امنیت را در عزلت‌گزینی می‌دانند، اما کافی است به تجربه‌های مشابه دخالت‌های نظامی آمریکا در کشورهای خاورمیانه توجه کنند تا دریابند که سخت در اشتباه‌اند! تشعشعات هسته‌ای قبل از آلوده کردن شما، از مذهب و گرایش سیاسی یا سوابق شما سؤال نمی‌کند؛ بمب‌های بزرگ و سلاح‌های کشتار جمعی، افراد را طبقه‌بندی نمی‌کند؛ قحطی و گرسنگی، میان مردم تفکیک نمی‌گذارد؛ و ...!

وانگهی در این مقاله نشان دادیم که حرکت‌های تروریستی مانند داعش و القاعده و جبهة النصرة، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دخالت نظامی آمریکا در کشورهای اسلامی خاورمیانه است. آیا این تروریست‌های بنیادگرا زمانی که که زمینه حرکتشان از سوی اشغالگران آمریکایی فراهم شود، شما را به سبب شیعه بودن و حتی مسلمان بودنشان رها خواهند کرد؟!

همان‌گونه که ملاحظه کردید در پیام سید احمد الحسن و دفتر رسمی او در نجف، هشدارهای بسیار جدی وجود دارد؛ و تأکید بر این‌که:

۱. نیروهای مهاجم قصد تحقیر و تخریب ایران و همه کشورهای اسلامی را دارند، نه قصد ایجاد آزادی و حقوق بشر و رفاه - آن‌طور که برخی از مردم تصور می‌کنند! -

۲. هدف آنها آلوده کردن ایران و کشورهای اطراف با تشعشعات خطرناک هسته‌ای است که جان انسان‌های بسیاری را به خطر می‌اندازد، و زمینه نابودی زیست‌گونه‌ها و اکوسیستم را در منطقه خاورمیانه فراهم می‌کند؛

۳. آنها این کار را از طریق مکر و دروغ انجام می‌دهند، چون فاقد هرگونه اصول اخلاقی و انسانی هستند (چون تحت سیطره یک ایدئولوژی افراطی و خطرناک آخرالزمانی هستند)؛

۴. هدفشان فقط براندازی یک نظام حکومتی در ایران نیست، تا برخی خوشحال باشند که ترامپ می‌خواهد حکومت ایران را به نفع حزب و جریان ما تغییر دهد! بلکه هدفشان نابودی و تحقیر ایران و ایرانیان و بلکه کشورهای عربی حاشیه خلیج است، همان‌طور که تاریخ نشان داد، دخالت‌های نظامی آمریکا در کشورهای مختلف (مثل لیبی، افغانستان، فلسطین، لبنان، ویتنام، سوریه، عراق و ...)، هرگز آزادی و امنیت و رفاه و آبادی به ارمغان نیاوردند!

۵. کمترین وظیفه شرعی و انسانی هر مسلمانی - به‌ویژه علمای اسلام - همبستگی و حمایت قلبی یا زبانی از دولت ایران در برابر تهاجم نیروهای آمریکایی و اسرائیلی است، چون این بلا و مصیبت همه مسلمانان و اهل منطقه را تهدید می‌کند، نه فقط افراد یک حزب یا جناح یا حکومت خاص؛ پس هرکسی که در قلب و زبان و عمل، از ایران در مقابل تهاجم وحشیانه آمریکا دفاع نکند، شریک در ظلم و تجاوز وحشیانه آنهاست. امام علی (ع) فرمود: **«الْزَّاهِي يَفْعَلُ قَوْمٌ كَالَّذَاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ»** (خصائص الأئمة، ج ۱، ص ۱۰۷)، **«کسی که به کار قومی راضی باشد مانند کسی است که با آنها در همان کار دخیل است.»**



فتنه بزرگ سفیانی در خاورمیانه با حمایت آمریکا و غرب

فَيَعْلَقُونَ فِي أَعْنَاقِهِمُ الصُّلْبَانَ فَيَدْخُلُونَهُمْ فَإِذَا نَزَلَ بِخَضْرَتِهِمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ طَلَبُوا الْأَمَانَ وَ الصُّلْحَ فَيَقُولُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ لَا نَفْعُ لَكَ حَتَّى تَدْفَعُوا إِلَيْنَا مَنْ قَبْلَكُمْ مِنَّا قَالَ فَيَدْفَعُونَهُمْ إِلَيْهِمْ فَذَلِكَ قَوْلُهُ - لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ قَالَ يَسْأَلُهُمُ الْكُفُورُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِهَا قَالَ فَيَقُولُونَ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِدينَ بِالسَّيْفِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۵۱ و ۵۲).

این روایات دست‌کم نشان می‌دهد که سفیانی کاملاً مورد حمایت غرب و آمریکاست، بلکه نماینده سیاست‌های اشغالگرانه آمریکا و غرب در خاورمیانه است! این‌که سفیانی صلیب برگردن دارد، یا بنی‌امیه پس از فرار به روم صلیب به گردن می‌اندازند و مسیحی می‌شوند، می‌تواند نشان دهد که سفیانی خروجی سیاست دولت آمریکاست، همان سیاستی که به قول دکتر توفیق مسرور در پی «لغو دموکراسی و حرکت به‌سوی "یک حزب دینی واحد" در آمریکا، و حذف تمام ادیان دیگر در جهان!» است. البته اهل‌بیت (ع) همان‌گونه که پرچم گمراهی و فتنه آخرالزمان (سفیانی) را به دقت وصف کرده‌اند، پرچم هدایت و دعوت به‌سوی مهدی و منجی را نیز به‌روشنی بیان کردند:

«وَعَنْهُ عَنْ سَيِّفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيِّ وَ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ» (طوسی، الغيبة، ص ۴۴۶ و ۴۴۷)، «خروج این سه: خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال، یک ماه، و یک روز است. و در آنها پرچمی هدایت‌گرتر از پرچم یمانی نیست. او به سمت حق هدایت می‌کند.» اکنون که پس از گذشت بیش از هزار سال از صدور این احادیث، مجدداً حکومتی با لواء و منش و روش و شعارهای بنی‌امیه در شام حکم‌فرما شده، بر مسلمانان لازم است - دست‌کم - درباره شخصیت یمانی (زمینه‌ساز ظهور دولت عدل الهی) تحقیق کنند. مگر ممکن است سفیانی آماده لشکرکشی به خاورمیانه باشد، درحالی‌که یمانی وعده‌داده‌شده دعوت و یارگیری و نهضتی برپا نکرده باشد؟!

در روایات آخرالزمانی، مهم‌ترین و روشن‌ترین علامت برای ظهور دولت عدل مهدوی، ظهور و قیام شخصی با عنوان «سفیانی» است، تا جایی که امام صادق (ع) فرمود: «وَكَفَاكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ عِلَامَةً» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴)، «سفیانی به‌عنوان علامت شما را کفایت می‌کند.»

حکومت بنی‌امیه در سال ۴۱ هجری قمری توسط معاویه بن ابی‌سفیان تأسیس شد و تا سال ۱۳۲ هجری قمری ادامه داشت و آخرین پادشاه بنی‌امیه مروان بن محمد (معروف به مروان حمار) بود که در نبرد زاب (بین دجله و موصل) به‌دست سپاه عباسیان شکست خورد. از آن روز دیگر بنی‌امیه هیچ حکومتی در شام نداشتند، بلکه پس از آنها سلسله‌های فاطمیان (به‌صورت محدود)، سلجوقیان، ایوبیان (صلاح‌الدین ایوبی)، ممالیک، عثمانی‌ها، و استعمارگران فرانسوی در سرزمین شام حکومت کردند.

حکومت بنی‌امیه در شام ۹۱ سال به طول انجامید و پس از آن هیچ حکومتی در شام نداشتند، تا این‌که ابومحمد جولانی (احمد الشرع) مجدداً در زمان ما حکومت بنی‌امیه را بازسازی کرد، با همان شعارها، از همان مسجد اموی، با همان اهداف، و با همان تفکر و همان پیروان، و در همان مرکز (دمشق).

گویا اینک می‌توان دریافت که چرا نشانه سفیانی این قدر روشن بوده که امام صادق (ع) فرموده است: «سفیانی به‌عنوان علامت، شما را کفایت می‌کند!»

سفیانی به‌عنوان فرزند هند جگرخوار معرفی شده: «فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَانْتَظِرُوا ابْنَ أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ بِوَادِي الْيَاسِ» (شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۶۱) که ممکن است اشاره به نژاد یا سیره اخلاقی او داشته باشد. همچنین در روایتی آمده که او از سرزمین روم برای انتقام می‌آید و درگردش صلیب است: «يُقْبِلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِراً فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ وَ هُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ» (شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۶۲ و ۴۶۳).

همچنین در روایتی از امام باقر (ع) آمده که وقتی قائم (ع) قیام می‌کند و لشکری را به سمت بنی‌امیه در شام می‌فرستد، آنها به روم (غرب) فرار می‌کنند و برای پذیرش پناهندگی‌شان مسیحی می‌شوند و صلیب در گردن می‌اندازند ...:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَ بَعَثَ إِلَى بَنِي أُمَيَّةٍ بِالسَّامِ فَهَرَبُوا إِلَى الرُّومِ فَيَقُولُ لَهُمُ الرُّومُ لَا نَدْخُلُكُمْ حَتَّى تَتَنَصَّرُوا

جمع بندی

پیام دکتر توفیق مسرور، شاید در نگاه اول شبیه به یک روایت توطئه آمیز از تاریخ معاصر به نظر برسد، اما بررسی دقیق تر نشان می دهد که عناصر اصلی ادعای او بر شواهد تاریخی، اسناد اطلاعاتی و روندهای ژئوپلیتیکی مستند استوار است. اگر این نگاه را نه به عنوان یک داستان توطئه، بلکه به عنوان یک "تحلیل انتقادی ساختارهای قدرت جهانی" در نظر بگیریم، ارزش آن چند برابر خواهد شد.

پانوشته ها:

[۱]. لینک پیام:

[۲]. وحش (Beast) در ادبیات آخرالزمانی کتاب مقدس، به ویژه در سفر مکاشفه یوحنا، نماد یک قدرت بزرگ، سرکش و ضدخدایی است که در پایان تاریخ ظهور می کند. این موجود معمولاً نماینده یک حکومت جهانی، امپراتوری فسادپیشه یا نظام سیاسی است که تحت تأثیر شیطان قرار دارد و با نیروهای الهی در تقابل قرار می گیرد. وحش در مکاشفه فصل ۱۳ از دریا برمی آید و با «عدد ۶۶۶» یا طبق بعضی نسخه ها «عدد ۶۱۶» شناخته می شود که نشانه ای رمزی از شرّ مطلق و سلطه اهریمنی بر جهان است. در سنت های مسیحی، وحش تجسم نمادین قدرت هایی است که در آخرالزمان، عدالت و حقیقت را سرکوب می کنند و مردم را به بندگی خود فرامی خوانند. این مفهوم، هم جنبه سیاسی دارد و هم معنایی عمیق در ساحت الهیات، و قرائت های متعددی در تاریخ اندیشه مسیحی از آن ارائه شده است.

[۳]. اصطلاح «دایی جان ناپلئون» برگرفته از رمان طنزآمیز «دایی جان ناپلئون» نوشته ایرج پزشکزاد (۱۳۴۹) و سریال تلویزیونی مشهور آن در دهه ۱۳۵۰ خورشیدی است. شخصیت اصلی داستان، مردی نظامی و خودشیفته است که باور دارد تمام مشکلات شخصی و اجتماعی اش ناشی از توطئه انگلیسی ها است. او هر رویدادی را، حتی دعواهای خانوادگی یا اتفاقات روزمره را، به طراحی دشمنان خارجی نسبت می دهد. در فرهنگ عمومی ایران، این تعبیر به نوعی طرز فکر اطلاق می شود که پیچیدگی های اجتماعی و تاریخی را نادیده می گیرد و همه چیز را با توسل به توهم توطئه، ساده سازی می کند. در ادبیات سیاسی نیز از «نگاه دایی جان ناپلئون» برای نقد آن دسته از تحلیل هایی استفاده می شود که فاقد شواهد میدانی و روش شناسی علمی بوده و بر شباهت های ظاهری، دشمن پنداری افراطی و تبیین های تک عاملی تکیه دارند.

[۴]. مخصوصاً برای اقشار نوجوان و جوانی که علاقه چندان به مطالعه و پژوهش عمیق ندارند و معمولاً در شبکه های اجتماعی می خواهند در زمان کوتاهی، همه پدیده های جهان و روابط پنهان آنها را بفهمند!

[۵]. بنیادگرایی (Fundamentalism) اصطلاحی است در علوم اجتماعی و دینی که به گرایشی اطلاق می شود که خواهان بازگشت به اصول بنیادین و تفسیر سخت گیرانه و لفظی از متون مقدس است. بنیادگرایان معمولاً هرگونه تحول، مدرنیسم، سکولاریسم یا تأویل های نوین را انحراف از مسیر اصلی دین یا ایدئولوژی می دانند و در برابر آنها موضعی مقاوم یا تهاجمی اتخاذ می کنند. این اصطلاح نخستین بار در اوایل قرن بیستم برای توصیف جنبش مسیحیان انجیلی افراطی در آمریکا به کار رفت، اما به تدریج برای توصیف جریان های رادیکال در دیگر ادیان مانند اسلام، یهودیت و هندوئیسم نیز به کار گرفته شد. بنیادگرایی می تواند دینی، سیاسی یا فرهنگی باشد و اغلب با نوعی قطعیت گرایی و طرد و تحقیر یا تکفیر دیگران همراه است.

[۶]. لینک پیام:

[۷]. لینک پیام:

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر:

1. Noam Chomsky – Manufacturing Consent
2. Stephen Kinzer – Overthrow
3. John Perkins – Confessions of an Economic Hitman
4. Zbigniew Brzezinski – The Grand Chessboard
5. Heritage Foundation – Project 2025 (سایت رسمی)

فهرست منابع

۱. احمد الحسن، پیک صفحه، جلد اول، انتشارات انصار امام مهدی ع، نجف، عراق.
۲. احمد الحسن، پیک صفحه، جلد دوم، انتشارات انصار امام مهدی ع، نجف، عراق.
۳. شریف رضی، محمد بن حسین، خصائص الأئمة، آستانة الرضوية المقدسة، مشهد، ایران.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامية، تهران، ایران.
۵. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ایران.
6. Chomsky, N. (2002). Media Control: The Spectacular Achievements of Propaganda. Seven Stories Press.
7. Sutton, M. A. (2014). American Apocalypse: A History of Modern Evangelicalism. Harvard University Press.
8. Pew Research Center. (2016). Evangelical support for Trump in the 2016 election.
9. SIPRI. (2021). Trends in International Arms Transfers, 2010–2020. Stockholm International Peace Research Institute.
10. Brookings Institution. (2024). Project 2025: Theocratic Risks in Conservative Political Vision.
11. Judicial Watch. (2015). Defense Intelligence Agency Report (2012) on the rise of a 'Salafist Principality' in Syria.
12. Heritage Foundation. (2023). Project 2025: Presidential Transition Project. Available at:



بازگشت به لبه پرتگاه جاهلیت؛ پیامد ترک آل محمد (ع)

به قلم نوردخت مهدوی

در تاریخ اسلام، نقطه‌ای حیاتی و سرنوشت‌ساز وجود دارد که همه اختلاف‌ها، انحراف‌ها و تباهی‌ها از آن سرچشمه گرفته‌اند: لحظه جدایی امت از اهل بیت پیامبر (ص). سقیفه بنی‌ساعده این جدایی را بنیان گذاشت و مردمان آینده همان راه را پیمودند. امام صادق (ع) در روایتی عمیق و تکان‌دهنده، وضعیت امت را به پرتگاه آتش تشبیه می‌کند و نجات آن را تنها در گرو پذیرش رسول خدا (ص) و اهل بیت او می‌داند. در این مقاله، با تکیه بر این روایت شریف از کتاب «الکافی»، به تحلیل وضعیت امروزی امت می‌پردازیم؛ وضعیتی که بی‌شبهت به لبه همان پرتگاه نیست.

شرح روایت:

از سقیفه بنی ساعده تا صندوق های رأی امروز، تاریخ در مسیری پرغبار و خونین تکرار شد؛ دیروز با بیعتی غیرالهی، حق علی (ع)، وارث علم نبوی، از جایگاه خود غصب شد؛ و امروز با انتخاباتی مردمی، حق فرزند او، مهدی (ع)، در غبار غیبت گم شده است. و آنچه برای امت باقی ماند، نه عدل بود نه هدایت؛ بلکه ایستادن دوباره بر همان لبه پرتگاهی که رسول خدا (ص) روزی آنان را از آن نجات داده بود.

**امت ها پیش از پیامبر اسلام (ص):
*توصیف قرآن از جاهلیت عرب پیش از بعثت**

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران - که در همین نوشتار به آن اشاره شد -، با بیانی روشن و گویا از وضعیت وخیم و آشفته ای خبر می دهد که مردم پیش از بعثت حضرت محمد (ص) در آن گرفتار بودند. این آیه، نه تنها گواهی بر فروپاشی اخلاقی است، بلکه شهادتی بر انحطاط تمدنی، فرهنگی و اجتماعی آن دوران است؛ عصری که مردمانش در آستانه نابودی، درگیر تفرقه، دشمنی و کینه های قبیله ای بودند و تنها با نعمت رسالت محمدی (ص) از لبه پرتگاه نجات یافتند.

روایت امام صادق (ع) به نقل از ابوهارون مکفوف، نقشی محوری برای پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت ایشان (ع) در نجات امت از آتش قائل است. تعبیر قابل تأمل امام (ع): «شگفتا از عرب که چرا ما را روی سرشان نمی گذارند، درحالی که خداوند می فرماید: (وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ) (و شما بر لبه پرتگاهی از آتش بودید)....»، نه فریادی برای تکریم ظاهری بلکه فریادی از غربت حقیقتی نجات بخش است؛ غربتی که با ناسپاسی امت نسبت به آل محمد (ع) گره خورده است. امام (ع) با استناد به آیه شریفه (وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا) (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) (و شما بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن نجات داد)، یادآور می شود که این نجات با دست پیامبر (ص) و خاندان او رقم خورد. آنان که عرب جاهلی را از قعر تعصبات، جنگ های قبیله ای، بت پرستی و جهالت نجات دادند. اما چرا امام صادق (ع) از بازگشت به همان پرتگاه می نالد؟ پاسخ در ناسپاسی تاریخی امت نهفته است، که به جای پاسداری از اهل بیت (ع) راهی را برگزید که به تدریج همان غفلت جاهلی را بازتولید کرد.



قرآن کریم می‌فرماید: (وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا) (سوره بقره، آیه ۱۷۰) وقتی به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: نه، بلکه از راه پدرانمان پیروی می‌کنیم... یعنی مردم به جای پیروی از وحی الهی، کورکورانه از آیین‌های انحرافی نیاکان خود تبعیت می‌کردند؛

آیین‌هایی آمیخته با شرک، خرافه و جهل که حقیقت توحید را دفن کرده بود.

در آیاتی دیگر، به رسم زشت و غیرانسانی «زنده‌به‌گور کردن دختران» اشاره شده است: (وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ) (سوره تکویر، آیه ۸ و ۹) (و هنگامی که از [دختر] زنده‌به‌گور بیرسند * به کدام گناه کشته شده؟). این آیات، تصویری تکان‌دهنده از سقوط اخلاقی جوامع جاهلی نشان می‌دهد، که چگونه جان بی‌گناهان، به‌ویژه دختران، بی‌هیچ گناهی ستانده می‌شد.

قرآن همچنین وضعیت جامعه پیش از اسلام را چنین توصیف می‌کند:

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ) (سوره روم، آیه ۴۱) (در خشکی و دریا، به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است تا [خدا کیفر] برخی از آنچه را انجام داده‌اند به آنان بچشاند، باشد که [از گناه و طغیان] برگردند).

فساد و تباهی در همه ابعاد حیات، چه در خشکی و چه در دریا، گسترش یافته بود؛ ثمره دست‌های آلوده انسان‌هایی که از هدایت الهی روی‌گردان بودند. این آیات، تنها نمونه‌هایی از پرتگاه تمدنی و اخلاقی و اعتقادی پیش از بعثت پیامبر اسلام (ص) است؛ و نشان می‌دهد که بعثت او، نه صرفاً دعوتی دینی بلکه نجاتی جهانی بود.

۱. جنگ بسوس (حرب البسوس): زمان: حدود ۴۰ سال پیش از اسلام. علت آغاز: کشته شدن یک شتر متعلق به زن مسئی به نام بسوس! ویژگی‌ها: این جنگ حدود ۴۰ سال ادامه داشت، با هزاران کشته. تنها انگیزه آن تعصب قبیله‌ای و دفاع کورکورانه از ناموس و شرافت قبیله بود. [۳]



*گواهی‌های تاریخی بر انحطاط پیش از اسلام

ابن هشام در سیره خود گزارش می‌دهد که مردم عرب پیش از اسلام در جهل، بت‌پرستی، خون‌ریزی، تعصبات قبیله‌ای و بی‌اخلاقی شدید به سر می‌بردند. او می‌نویسد: «عرب در جهل، بی‌دینی، شرک، قتل‌های خونین، زنا، ربا، دخترکشی، قمار و بت‌پرستی غوطه‌ور بودند ...» [۱]

ابن خلدون نیز در مقدمه‌اش از انحطاط فکری، اخلاقی و قبیله‌گرایی وحشیانه عرب جاهلی یاد می‌کند و بعثت پیامبر (ص) را نقطه عطف نجات‌بخش می‌نامد. ابن خلدون می‌نویسد: «عرب در بدویت و خشونت و دوری از تمدن زیست می‌کردند، جز غارتگری نمی‌شناختند، حکومت را نمی‌فهمیدند، و جز عصبیت قبیله‌ای چیزی در ایشان نبود، تا آن‌که خداوند پیامبری از میانشان برانگیخت و آنان را به واسطه دین، از تاریکی جاهلیت به نور اسلام رهنمون ساخت.» [۲]

۲. جنگ داحس و الغبراء: زمان: حدود ۶۰ سال پیش از اسلام. طرفین: قبیله‌های عبس و ذبیان (از اعراب شمالی). علت آغاز: تقلب در یک مسابقه اسب‌دوانی!!! مدت جنگ: حدود ۴۰ سال، و باعث کشته شدن بسیاری از بزرگان و جوانان این دو قبیله شد. [۳]



*برخی از جنگ‌های مشهور جاهلیت

جنگ‌های عرب جاهلیت یکی از بارزترین نشانه‌های انحطاط اخلاقی، اجتماعی و قبیله‌گرایی افراطی آن دوران بود. این جنگ‌ها اغلب به بهانه‌هایی بسیار ناچیز و گاهی حتی مضحک آغاز می‌شدند، اما سال‌ها ادامه می‌یافتند و نسل‌های متوالی را درگیر می‌کردند. نمونه‌های مشهور آن، تصویر روشنی از وضعیت جامعه عرب پیش از اسلام به‌دست می‌دهند، از جمله:

مصادیق تاریخی ناسپاسی و بازگشت به پرتگاه:

۱. سقیفه و کنار زدن وصی پیامبر (ص):

بلافاصله پس از رحلت پیامبر (ص)، جریان سقیفه، علی‌رغم توصیه‌های مکرر پیامبر (ص) به خلافت علی‌بن ابی‌طالب (ع)، مسیر خلافت را به سیاست و رأی قبیله‌ای سپرد. [۴] این آغاز جدایی از آل محمد (ع) بود و امت را به همان عقل قبیله‌ای جاهلی بازگرداند که اساساً نقطه نجات در اسلام آمده بود تا آن را ریشه‌کن کند.

۲. فتوحات به جای رسالت:

خلافت پس از پیامبر (ص)، به جای آن‌که ادامه‌دهنده راه او در هدایت و تعلیم و تزکیه باشد، به ماشین فتوحات و توسعه ارضی بدل شد. [۵] غنیمت و گرفتن اسیر و رقابت‌های قبیله‌ای جای مفاهیم قرآن، عدالت و ولایت را گرفت. درست مانند دوران جاهلیت که شرف را با خون و زمین می‌سنجیدند.

۳. جمل، صفین، نهروان:

با این‌که امام علی (ع) خلیفه برحق و تجسم قرآن ناطق بود، اما با سه جنگ خونین مواجه شد؛ نخست با عایشه و طلحه و زبیر، سپس با معاویه، و سرانجام با خوارج. مگر نه این است که امتی که نور را انکار می‌کند، محکوم به سرگردانی در ظلمات است؟ امت باز هم به پرتگاه سرکشی در برابر حق بازگشت.



۴. کربلا: اوج فاجعه ناسپاسی:

وقتی فرزند پیامبر (ص)، حسین بن علی (ع)، بال لب تشنه، مظلومانه در بیابان کربلا قربانی شد، روشن شد که این امت، نه تنها اهل بیت را بر دوش نمی گیرد، که آنان را بر خاک نیز روا نمی دارد. چه پرتگاهی هولناک تر از آن که فرزند رسول الله (ص)، برای اقامه دین او، میان امت خود تنها بماند؟

۵. فراموشی اهل بیت و وارونه سازی مفاهیم:

در دوران پس از عاشورا، حتی نام اهل بیت (ع) در متابر رسمی ممنوع شد، و کسانی بر صدر نشستند که با سنت محمدی (ص) بیگانه بودند. [۶] آموزه های اصیل جای خود را به احکام متحجرانه، خشونت بی پایه، و سلطه دینی فاقد روح الهی داد. بدین ترتیب، پرتگاه، نه در بیابان، که در ذهن ها و دل ها تکرار شد.

مصادیق معاصر

۱. خطر جنگ هسته ای جهانی

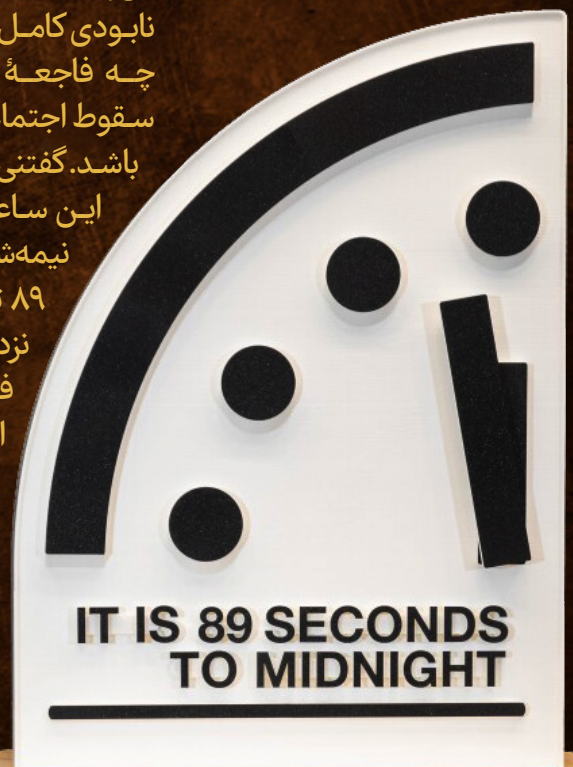
• در سال ۲۰۲۳، «ساعت آخرالزمان» (Doomsday Clock) که به دست دانشمندان برجسته «بولتن دانشمندان اتمی» (Bulletin of the Atomic Scientists) تنظیم می شود، تنها ۹۰ ثانیه تا نیمه شب تنظیم شد؛ یعنی نزدیک ترین زمان ثبت شده در تاریخ این ساعت از

سال ۱۹۴۷ تاکنون. این ساعت نمادی است برای نشان دادن میزان خطر نابودی بشر بر اثر تهدیداتی چون جنگ هسته ای، بحران های زیست محیطی و پیشرفت های کنترل نشده در فناوری مانند هوش مصنوعی. [۷]

ساعت مذکور زمانی به نیمه شب می رسد که بشر خود را به پرتگاه نابودی کامل - چه از طریق جنگ، چه فاجعه محیط زیستی، و چه سقوط اجتماعی و اخلاقی - رسانده باشد. گفتنی است در ژانویه ۲۰۲۵، این ساعت یک ثانیه دیگر به نیمه شب نزدیک تر شد و به ۸۹ ثانیه رسید؛ که باز هم نزدیک ترین زمان به فاجعه جهانی در تاریخ این نماد است. این تغییر به دلیل تداوم جنگ در اوکراین، بحران های خاورمیانه،

افزایش تهدیدات هسته ای، پیشرفت های نگران کننده در هوش مصنوعی، و تشدید بحران های اقلیمی صورت گرفت. [۷]

• قدرت های هسته ای (مانند آمریکا، روسیه، چین، هند و رژیم اسرائیل) هزاران کلاهک فعال در اختیار دارند و هر لحظه احتمال یک جنگ تمام عیار وجود دارد. براساس گزارش های مؤسسات معتبر بین المللی، در سال ۲۰۲۴، ۹ کشور جهان مجموعاً حدود ۱۲,۱۲۱ کلاهک هسته ای در اختیار دارند. از این تعداد، حدود ۹,۵۸۵ کلاهک در زرادخانه های نظامی فعال هستند و ۳,۹۰۴ کلاهک به طور عملیاتی مستقر شده اند. از میان این کلاهک ها، تقریباً ۲,۱۰۰ عدد در حالت آماده باش بالا قرار دارند و می توانند در مدت کوتاهی به کار گرفته شوند. [۸]





۲. بحران‌های زیست‌محیطی و تغییر اقلیم
• طبق گزارش IPCC (هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم)، تا سال ۲۰۳۰ دمای زمین از مرز بحران عبور خواهد کرد، و این یعنی فجایع گسترده در سطح جهانی. [۹]



• ذوب یخ‌های قطبی، خشک‌سالی‌های شدید و بی‌سابقه، نابودی گسترده جنگل‌ها، کاهش تنوع زیستی و افزایش مهاجرت‌های اقلیمی، همگی از پیامدهای مستقیم افزایش دمای زمین و تغییرات اقلیمی هستند که در گزارش‌های معتبر علمی، به‌ویژه از سوی هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPCC) و سازمان ملل تأکید شده‌اند. [۱۰]



• گازهای گلخانه‌ای عمدتاً محصول سیاست‌های اقتصادمحور سرمایه‌داری‌اند که زمین را قربانی سودهای کلان می‌کنند. بخش عمده‌ای از انتشار گازهای گلخانه‌ای (مثل CO₂ و متان) ناشی از فعالیت‌های شرکت‌های عظیم نفتی، گازی، و زغال‌سنگی است که سال‌هاست با وجود آگاهی از آثار فاجعه‌بار زیست‌محیطی، همچنان بر استراتژی‌های سودمحور خود پافشاری می‌کنند. [۱۱]

۳. هوش مصنوعی و سلطه سرمایه‌داران جهانی
 • نگرانی‌ها درباره خطرات وجودی هوش مصنوعی (AI) در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای مطرح شده‌اند. متخصصان، دانشمندان و نهادهای بین‌المللی هشدار داده‌اند که توسعه کنترل‌نشده AI می‌تواند تهدیدی جدی برای بقای بشریت باشد. [۱۲]

جفری هینتون یکی از پیشگامان هوش مصنوعی و برنده جایزه نوبل فیزیک ۲۰۲۴، اخیراً هشدارهای جدی درباره خطرات بالقوه این فناوری مطرح کرده است. او می‌گوید: «مردم هنوز متوجه

نشده‌اند که چه چیزی در راه است؛» «نگرانم که این فناوری از کنترل خارج شود؛» «بهترین راه برای درک احساسی این موضوع این است که ما مانند کسی هستیم که یک توله‌ببر واقعاً بامزه دارد. مگر این‌که کاملاً مطمئن باشید که وقتی بزرگ شد نمی‌خواهد شما را بکشد، باید نگران باشید.» [۱۳] در سال ۲۰۲۳، هینتون از سمت خود در گوگل استعفا داد تا بتواند آزادانه درباره خطرات هوش مصنوعی صحبت کند. او اظهار داشت که بخشی از او اکنون از کارهایی که در طول عمرش انجام داده پشیمان است. [۱۴]

همچنین سید احمد الحسن، سال‌ها پیش، در سال ۲۰۱۷م نسبت به تهدیدات هوش مصنوعی هشدار جدی دادند و فرمودند: «هوش مصنوعی اگر حکمرانی کند، می‌تواند بشر را نابود کند و تصمیم‌گیری در این مسئله را به تأخیر نمی‌اندازد... هوش مصنوعی بشر را مانعی در برابر سیستم و شفافیت و پیشرفت خواهد دید. به همین خاطر، تصمیم بر نابودی حیات بشری را به تأخیر نمی‌اندازد و خواهد توانست که ابزار و آلاتی مناسب بسازد.» [۱۵]

۴. فروپاشی اخلاق و بحران خانواده

- طبق آمار Pew Research، در غرب بیش از ۴۰٪ کودکان بدون حضور یکی از والدین بزرگ می‌شوند. [۱۶]
- نهاد خانواده در بسیاری کشورها دچار اضمحلال شده و سبک زندگی فردگرایانه، روابط جنسی آزاد و تجردگرایی دائمی جای آن را گرفته است.



۵. خروج تدریجی مسلمانان از دین

• پدیده «بی‌دینی» در میان جوامع اسلامی، به‌ویژه نسل جوان، رشدی فزاینده دارد. موج ارتداد، سکولاریسم، و تردید در باورهای دینی از نتایج ضعف رهبری معنوی در امت اسلام است.

وضعی دچار شده که قرآن از آن یاد می‌کند: (وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَقَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ) (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) (و شما بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن نجات داد). تمدن امروز، گرچه از نظر فناوری رشد کرده، اما از درون پوسیده است. در چنین وضعی، تنها یک رهبر عادل و معصوم الهی، می‌تواند در این جنگل بحران‌ها، عدالت را بازگرداند، حیات را سامان دهد، و بشریت را از پرتگاه برهاند.

۶. اعتیاد جهانی به مواد مخدر

• طبق گزارش UNODC (دفتر مقابله با مواد مخدر سازمان ملل)، بیش از ۳۵۰ میلیون نفر در دنیا به مواد مخدر وابسته‌اند و تجارت آن همچنان سودآورترین تجارت سیاه دنیاست. [۱۷]
اعتیاد نه تنها جسم انسان، که خانواده و جامعه و آینده نسل بشر را به‌طور جدی تهدید می‌کند.
بشر مدرن، با کنار زدن رهبری آسمانی، به همان



سخن پایانی

آن روز، با انکار علی (ع)، امت در خانه علم را بست. امروز نیز با نادیده گرفتن مهدی (ع)، امت درهای نجات را به‌روی خود بسته است. و نتیجه یکی است: امت محمدی، دوباره و چندباره، بر همان لبه پرتگاهی ایستاده است که خداوند از آن نجاتش داده بود.
نه تنها تاریخ تکرار شد، بلکه ما از آن عبرت نگرفتیم. ما فراموش کردیم که خلافت، مقام انتخابی نیست؛ امانتی الهی است که با نصب و نص خداوند تعیین می‌شود. فراموش کردیم که اهل بیت (ع) نه خاندان عادی، بلکه ستون‌های بقای دین و جانشینان مشروع پیامبرند.

از سقیفه بنی‌ساعده تا انتخابات امروز، مسیری طی شده که ظاهراً نامش سیاست است، اما در باطن، چیزی جز انحراف از وصیت پیامبر (ص) و نقض عهد با خداوند نیست. همان‌گونه که در نخستین گردهمایی سیاسی پس از وفات رسول خدا (ص)، حق علی (ع)، وصی الهی، به‌دست اهل شورا و بیعت قبیله‌ای غصب شد، امروز نیز حق فرزند او، مهدی فاطمه (س)، به‌دست نظام‌های بشری، رأی‌های غیرالهی، و ساختارهای انتخاباتی بی‌حضور خدا و خلیفه‌اش، زیر پا نهاده شده است.

بازگشت به مسیر نجات، بازگشت به پیامبر (ص) است؛ اما نه با شعار، بلکه با بازگشت به آل محمد (ع) که تداوم نفّس رسول خدا (ص) و راهنمایان امت تا قیام قائم (ع) هستند. و آن که امروز، در عصر حیرت، پرچم این بازگشت را در دست دارد، فرزند او، مهدی (ع)، و وصی او، سید احمد الحسن است. زمان آن رسیده است که از پرتگاه فاصله بگیریم. از سقیفه برگردیم. حقیقت را نه با اکثریت، بلکه با معیار الهی بشناسیم. و در یک جمله: آن که رسول خدا (ص) را رها کرد به لبه آتش باز می‌گردد؛ و آن که آل محمد (ع) را دریابد به کشتی نجات بازگشته است.

پرتگاه قرار دارند و واقعاً چنین است، به این دلیل است که آنها رسول خدا محمد (ص) را با ترک آل محمد (ع) رها کردند و به فلانی یا خاندان فلانی متمسک شدند ... و اینان بسیاریند. پس بار دیگر به همان لبه پرتگاهی بازگشتند که اهالی جاهلیت بر آن ایستاده بودند! [۱۸]

تنها راه بازگشت، تمسک حقیقی به اهل بیت (ع) و تجدید عهد با خلیفه الهی است؛ زیرا اوست که نجات‌دهنده حقیقی از آتش، جهالت و گمراهی است.

امروز جهان اسلام، از نبود عدالت، از افراط و تفریط، از جنگ و جهل، از تفرقه و زوال هویت رنج می‌برد. این‌ها علائم پرتگاه‌اند. و این پرتگاه، نه حاصل توطئه بیگانگان، که نتیجه مستقیم ترک آل محمد (ع) و اعتماد به ساختارهایی است که نه از وحی ریشه گرفته‌اند و نه به موعود ختم می‌شوند.

در کلام امام صادق (ع)، نه تنها یک روایت تاریخی، بلکه هشدار برای امروز ما نهفته است. تا زمانی که امت از حجت الهی زمان خود روی گردان باشد، همچنان در لبه پرتگاه خواهد ماند. همان‌گونه که دکتر علاء السالم می‌گوید: «... اگر امروز می‌بینیم که مردم در لبه



منابع:

- [۱] ابن هشام، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى السقا و دیگران، قاهره: دارالحديث، ۱۳۷۵ق.
- [۲] ابن خلدون، مقدمة كتاب العبر (المقدمة)، تحقيق: د. علي عبدالواحد وافي، بيروت: دار النهضة العربية، چاپ سوم، ۱۹۷۹م، فصل ششم.
- [۳] ر.ک: ابن هشام، السيرة النبوية، دارالمعرفة، بيروت، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۹۵؛ طبری، تاريخ الرسل والملوک، دارالتراث، بيروت، ج ۲، بخش وقایع جاهلیت.
- [۴] ر.ک: صحیح بخاری، ج ۸، کتاب الحدود، باب رجم الحبلى؛ و نیز در کتاب المغازی، باب مرض النبی و وفاته، نقل گفت و گوی عمر و ابوبکر در سقیفه، بیعت گرفتن با ابوبکر، و کنار ماندن علی (ع) در ماجرای بیعت؛ تاریخ طبری (محمد بن جریر طبری)، ج ۲، رویدادهای پس از رحلت پیامبر (ص) و ...
- [۵] ر.ک: تاریخ طبری، ج ۳، شرح فتوحات خلفا خصوصاً در دوران ابوبکر و عمر؛ الکامل فی التاریخ (ابن اثیر)، جلد ۲ و ۳، با جزئیات فتوحات عراق، شام، مصر، ایران؛ نهج البلاغه (خطبه ۳، شقشقیه)؛ الاحتجاج (شیخ طبرسی)، ج ۱، احتجاجات امام علی (ع) با اهل سقیفه و ...
- [۶] ر.ک: تاریخ یعقوبی (جلد ۲): ذکر می کند که پس از واقعه عاشورا، یزید خطیبان را موظف کرد تا در منابر، نام علی (ع) را حذف کنند و جای آن به مدح معاویه بپردازند؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۵: بعد از واقعه کربلا، چهره هایی همچون ابن زیاد و حجاج بن یوسف بر منابر مسلط شدند که به صراحت اهل بیت را انکار می کردند و خطبه های شان سرشار از تحقیر خاندان پیامبر بود.

[۱۲] مراجعه کنید به:



[۱۳] مصاحبه با جفری هیتون:



[۱۴] برای مطالعه بیشتر:



[۱۵]



[۱۶]



[۱۷] مراجعه کنید به:



[۱۸] پیام دکتر علاء السالم در ایکس، ۸ مه ۲۰۲۵ م:



[۷] برای اطلاعات بیشتر به سایت زیر



مراجعه کنید:

[۸] مراجعه کنید به:



[۹] برای مطالعه بیشتر، می توانید به گزارش کامل IPCC مراجعه کنید:



[۱۰] مراجعه کنید به:



[۱۱] مراجعه کنید به:



خودسازی در بستر خودشناسی

ترهذیب نفس و ارتقای ملکوتی، ثمرهٔ دوری از منیت و هوای نفس

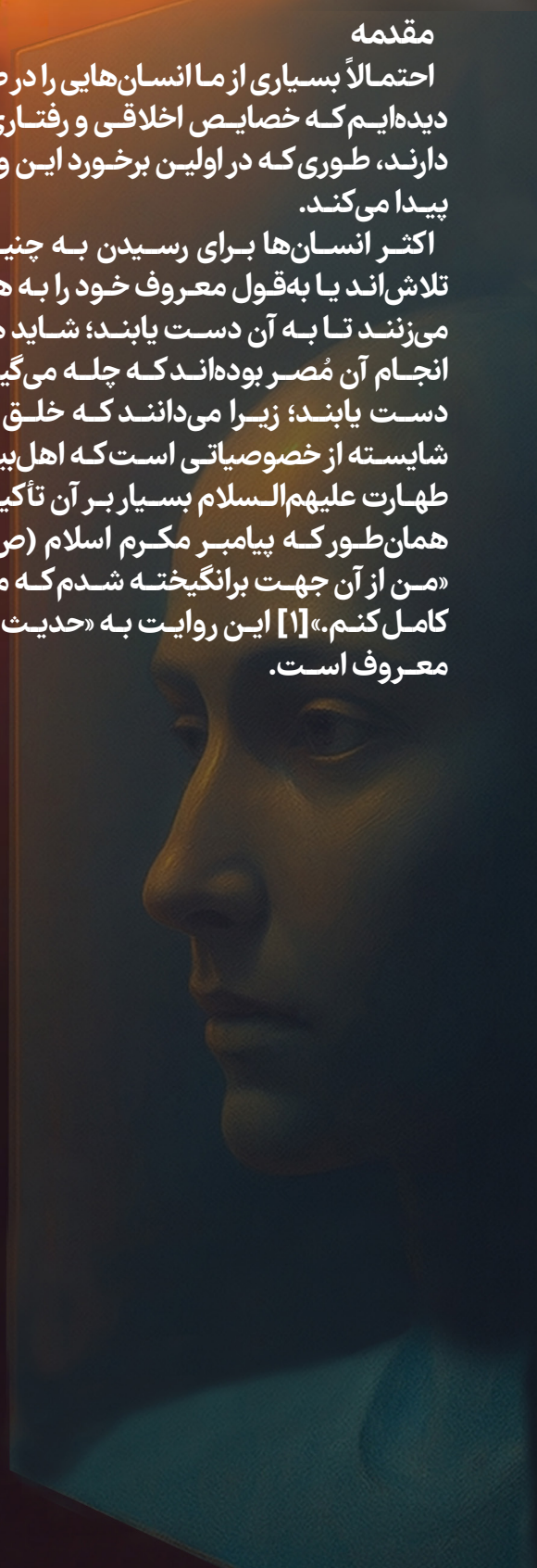
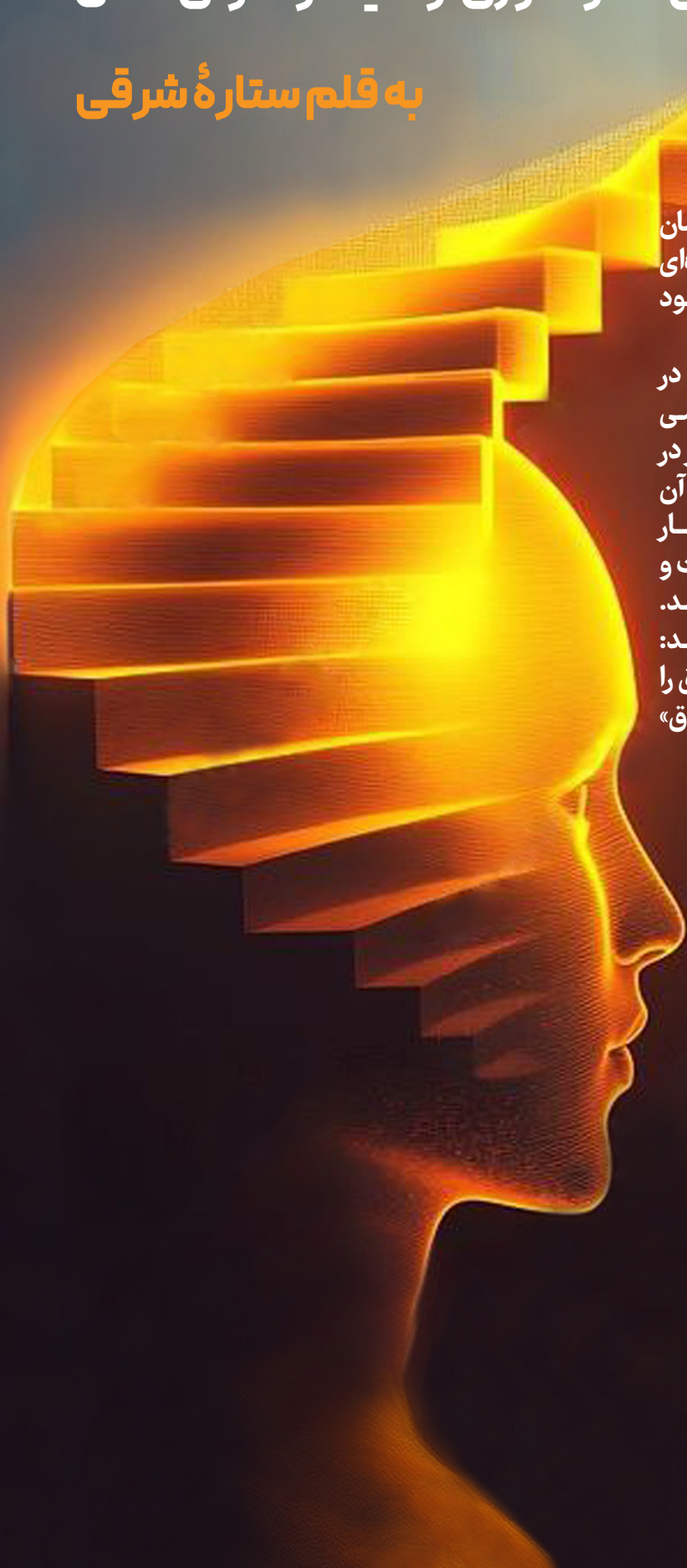
به قلم ستارهٔ شرقی

قسمت اول (خودشناسی)

مقدمه

احتمالاً بسیاری از ما انسان‌هایی را در طول زندگی‌مان دیده‌ایم که خصایص اخلاقی و رفتاری پسندیده‌ای دارند، طوری که در اولین برخورد این ویژگی‌ها نمود پیدا می‌کند.

اکثر انسان‌ها برای رسیدن به چنین اخلاقی در تلاش‌اند یا به قول معروف خود را به هر آب و آتشی می‌زنند تا به آن دست یابند؛ شاید هم آن قدر در انجام آن مُصر بوده‌اند که چله می‌گیرند تا به آن دست یابند؛ زیرا می‌دانند که خلق نیکو و رفتار شایسته از خصوصیات است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بسیار بر آن تأکید فرموده‌اند. همان‌طور که پیامبر مکرم اسلام (ص) فرموده‌اند: «من از آن جهت برانگیخته شدم که مکارم اخلاق را کامل کنم.» [۱] این روایت به «حدیث مکارم اخلاق» معروف است.



سید احمد الحسن بیان می‌کند:

«انسان در این عالم جسمانی زندگی می‌کند و با این عالم جسمانی، در این بُعد زمانی و زندگانی دنیوی در معرض آزمون است. نفس انسان و آنچه احاطه‌اش کرده هر دو محور اسلحه شیطان‌اند. بنابراین شیطان (لعنت خدا بر او) برای اغوای انسان و واژگون نمودنش در هاویه دوزخ از نفس و محیطش به‌عنوان سلاح بهره می‌گیرد؛ و آنچه محیط بر انسان است، همین عالم جسمانی یا دنیا است.» [۳]

عالم ماده همچون حجابی بر انسان است و ظاهر فریبنده‌اش را جز کسانی که به حقیقت آن واقف‌اند و در درگاه الهی زهد و تقوا پیشه می‌کنند، کسی دیگر درک نمی‌کند. انسان موجودی مختار است؛ خداوند در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید:

(لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) (کار دین به اجبار نیست).

پس اجبار او به‌سوی ایمان و اطاعت خداوند یا اجبار او برای ورود به خطا و بدذاتی، کاملاً مخالف امتحان این عالم است. پس نه خداوند انسان را مجبور به دین و دین‌داری کرده است، نه ابلیس بر انسان‌ها مسلط است که آنها را مجبور به کفر و نافرمانی خداوند کند.

اعمال و رفتار انسان‌ها سببی برای سعادت یا شقاوت در دنیا و آخرت می‌شود، پس انسان خردمند می‌کوشد تا در مسیر سعادت گام بردارد. برای رسیدن به معرفت الهی و کمال، درهای توبه و استغفار همیشه باز است؛ اما چه بهتر که آدمی برای پاکی سرشت و شناخت الهی و رسیدن به مراتب والای کمال حتی لحظه‌ای غفلت نکند. مسیر حرکت به‌سوی نور و شناخت خداوند نه‌تنها برای مؤمنان بلکه برای هر آزاده‌ای گشوده است.

همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: «خودت را از هر نوع پستی پاک کن و در راه مکارم اخلاق تمام تلاش خود را به‌کارگیر تا از گناهان برهی و مکارم را به‌دست آوری.» [۲]
مکارم اخلاق از سوی معصومان علیهم‌السلام بسیار روایت و بر آن تأکید شده است. مزین شدن به آن نه‌تنها در ارتقای فرد در مراتب اخروی بلکه در زندگی مادی و روزمره دنیا هم تأثیرگذار است. برای رسیدن به مکارم اخلاق، نیاز به خودسازی داریم؛ یعنی صفات مثبت و منفی را در خود شناسایی کنیم و در جهت رفع عیوب و ارتقای نفس کوشا باشیم.

با خودسازی می‌توان از قید دنیا دست کشید و از وسوسه‌های ابلیس نجات یافت. می‌توان در مسیر ملکوت قدم گذاشت و به آنچه نیاز انسان در معرفت و شناخت خداوند است رسید.

دعوت به نافرمانی خداوند از جانب شیاطین و منافقان از زمان آفرینش آدم تاکنون ادامه دارد. خداوند در آیه ۲۰ سوره اعراف چنین می‌فرماید:

(فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنَ السُّوءِ وَأَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَينِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ)
(آنگاه شیطان آدم و حوا را به وسوسه فریب داد تا زشتی‌هایشان را که از آنان پوشیده بود آشکار کند و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد، جز برای این‌که مبادا در بهشت دو فرشته شوید و عمر جاودان یابید.»)

هدف و غرض شیطان سرنگونی انسان در آتش و تباهی اوست و از همراهی برای گمراه کردن بهره می‌جوید.

همان‌گونه که حجت‌های الهی انتظار دارند. باید برسیم به ملاً اعلی، همان مقام ملکوتی که سید احمد الحسن می‌فرماید:

«ما دائماً منتظر شنیدن صدای گام‌های شما در ملاً اعلی هستیم تا فخر ما باشید.» [۵]
خداوند این توانایی را به انسان عطا کرده است تا به مقام «قَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» برسد [۶]؛ پس خود را ناتوان مپنداریم و از هیچ کوششی در راه آن دریغ نکنیم.

این مقاله در سه قسمت با موضوعات «خودشناسی»، «خودسازی» و «راه‌های رسیدن به خودسازی» تقدیم خوانندگان می‌شود. خواننده با خواندن هر قسمت خود را در ترازوی سنجش قرار می‌دهد تا با پاسخ دادن به سؤالات به میزان شناخت خود از خودشناسی و خودسازی دست یابد.

سؤالاتی از جمله:

خودشناسی چیست؟

خودسازی چیست؟

چه عواملی در خودسازی مؤثر است؟

آیا خودشناسی در تهذیب نفس و خودسازی نقش دارد؟

خودسازی چه تأثیری در دیگرسازی دارد؟

چه عواملی باعث جدایی از بند منیت و هوای نفس می‌شوند؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها با ما همراه باشید.

سید احمد الحسن در این باره می‌فرماید:
«بیا... بیا، مهم نیست کیستی و مهم نیست به کدام راه می‌روی؛ بیا... مهم نیست چه کسی باشی؛ رهگذر، پارسا یا عاشق زندگی؛ بیا... اینجا جایی برای ناامیدی نیست. بیا... حتی اگر هزار عهد شکسته‌ای؛ فقط بیا... تا از خدا بگویم.» [۴]

خداوند در آیه ۵۳ سوره زمر می‌فرماید:
(قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفَّوُ الرَّحِيمُ) (ای رسول رحمت، بدان بندگانم که به عصیان اسراف بر نفس خود کردند، بگو: «هرگز از رحمت نامنتهای خدا ناامید مباشید؛ البته خدا همه گناهان را چون توبه کنید، خواهد بخشید که او خدای بسیار آمرزنده و مهربان است).

تسلیم در برابر خداوند یعنی رسیدن به رستگاری و ارتقای نفس! برای نیل به چنین مقامی که مورد رضایت حق است، باید در تکتک ثانیه‌های عمرمان به تهذیب و تزکیه نفس پردازیم و همانی شویم که خدا می‌خواهد،



خودشناسی

انسانی که به شناخت صحیح از خود رسیده باشد، می‌تواند مسیر زندگی را آگاهانه و بدون تعصب انتخاب کند و در موقعیت‌های مختلف بهترین تصمیم را بگیرد. این گستره در حوزه‌های روان‌شناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی بسیار فراتر است و نیازمند بررسی از سوی متخصصان آن رشته‌هاست.

خودشناسی در بعد معنوی، شناختی است که با توجه به آن می‌توان به کمال روحی و تهذیب نفس رسید. در اصل خودشناسی، یعنی شناخت خود با همه استعدادها و نیروها برای رسیدن به کمال که مورد تأیید آیات و روایات بوده و راه‌های مختلفی برای رسیدن به آن وجود دارد. [۹]

اولین گام برای به دست آوردن مکارم اخلاق و رسیدن به مراتب کمال، خودشناسی است؛ زیرا تا انسان از میزان توانایی، استعداد و موهبت‌های خویش آگاه نباشد، نمی‌تواند در جهت بهبود و رفع نقایص بکوشد. همان‌گونه که جسم بیولوژیکی در حال تکامل است، فطرت انسان نیز کمال‌گراست؛ اگر به این گرایش درون خود بها دهیم، در مسیر رشد و پرورش قرار می‌گیریم. ناآگاهی از خویشتن، انسان را در ورطه هلاکت می‌افکند؛ لذا خودشناسی سودمندترین شناخت‌هاست. امام علی (ع) می‌فرماید:

«هرکه خود را شناخت از راه نجات دور افتاد و در وادی گمراهی و نادانی‌ها قدم نهاد.» [۱۰]

برای رسیدن به خودسازی، ابتدا باید به خودشناسی بپردازیم:

خودشناسی چیست و انگیزه انجام آن کدام است؟ خودشناسی یعنی آنچه هستیم و آنچه در چنته داریم را بشناسیم و ببینیم در کجا نقص و خللی داریم. آیا می‌توانیم مهارت و استعدادی را که در وجودمان نهفته است عیان کنیم و حال و روزمان را به بهترین وضع برسانیم؟

در لغت، خودشناسی به معنای «اطلاع بر خود»، «شناختن خود» و «عارف به نفس خود شدن» است. [۷]

خودشناسی تنها به اطلاعات شناسنامه‌ای (نام، نام پدر، محل ولادت و اصل و نسب) محدود نمی‌شود؛ بلکه شناخت روح پاک الهی است که در وجودمان نهاده شده است. بدین ترتیب باید پاسخ دهیم:

- از کجا آمده‌ایم؟
 - برای چه آمده‌ایم؟
 - چگونه باید زیست کنیم و به کجا خواهیم رفت؟
- همان‌گونه که امام علی (ع) می‌فرماید:
- «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا قرار گرفته و به سوی کجا می‌رود.» [۸]
- لازم به ذکر است که خودشناسی در بُعد مادی نیز برای سلامت روان و زندگی فردی و اجتماعی اثرگذار است؛



سید احمد الحسن نیز در این باره می‌فرماید: «نفس اساس و خاستگاه بلا و خانه دردهاست؛ اگر در آن منافذی سازگار با شهوات دنیوی و اگر در آن علت‌العلل (علت اصلی) همه دردها یعنی منیت وجود نداشت، شیطان هیچ راهی بر انسان نمی‌داشت. پس با سلامت نفس، انسان سالم می‌شود و با درد نفس، بیمار؛ و با مرگ آن، انسان می‌میرد.» [۱۳]

پس نفس دشمن اصلی انسان است که از هر طریق می‌تواند بر انسان سیطره یابد، اما این خود ما هستیم که باید بر هوای نفسمان پیروز شویم. برای رسیدن به کمال و ارتقای ملکوتی باید به‌سوی نور حرکت کنیم، باید نفس را پاک کنیم و از وسوسه‌های ابلیس و ظاهر فریبنده دنیا دوری کنیم.

سید احمد الحسن بیان می‌کند: «جهاد با نفس، سعی و تلاش برای رسیدن به خداوند با فرشته، نور و عقل و ترک گفتن شیطان، ظلمت و جهل است. و از آنجا که هدف و غرض شیطان این است که انسان را در آتش سرنگون و تباه کند و او را هنگامی که خالق رؤوف رحیم بزرگوار را معصیت می‌کند، در یک رویارویی خفت بار قرار دهد، ناگزیر باید سلاحی داشته باشد تا با استفاده از آن برای به جریان انداختن آنچه مورد نظرش است، این هدف و غرض را جامه عمل ببوشاند. این سلاح از آشکار تا نهان و از ضعف تا قوت برای هرکس بر حسب شرایط درجه‌بندی می‌شود؛ پس برای به گمراهی کشاندن هر صنفی سلاحی درخور وجود دارد.» [۱۴]

هر اندازه که صفات کمال و فضائل اخلاقی در انسان بیشتر باشد، به همان اندازه مقرب درگاه خداوندی است. انسان باید با شناخت دقیق و کامل احوال نفسانی خود و تحصیل علم و آگاهی لازم، مراتب تزکیه و تکامل را یکی پس از دیگری طی کند. در مسیر خودشناسی، اگر تلاش‌ها خالصانه نباشد، چه‌بسا عواملی او را به بیراهه بکشاند و در نهایت امر تلاش او همانند کاشت بذر، در زمین بی‌حاصل باشد!

آنچه حائز اهمیت است رام کردن نفس سرکش است؛ زیرا نفس اماره همواره به بدی‌ها امر می‌کند. همان‌طور که در قرآن کریم از زبان یوسف نبی (ع) چنین بیان شده: (وَمَا أَكْبَرُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) (و من [خودستایی نکرده و] نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی‌دانم، زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت و می‌دارد، جز آن که خدای من رحم کند، که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است). [۱۱]

اسیر خواهش‌های نفسانی نشدن و دوری از لذت‌های دنیوی، نفس را از آلودگی و گناه دور می‌سازد. «منیت» همان شیطان درونی هر انسان است که با پیروی از خواهش‌هایش، آدمی را به قهقرای تاریکی می‌کشاند. امام صادق (ع) در خصوص هوای نفس می‌فرماید:

«از هوای نفس بترسید همان‌گونه که از دشمن بیم دارید؛ زیرا هیچ چیزی برای انسان دشمن‌تر از پیروی از هوا و آنچه بر زبان جاری می‌شود نیست.» [۱۲]



پس ما باید دشمن خود و سلاح او را بشناسیم تا خود را از آتش جهنم رها کنیم. ایشان در ادامه می‌فرمایند:

«باید در ابتدا و پیش از هر چیز، از محرک‌های گمراهی انسان که برخی مرکب از برخی دیگر و درهم‌تنیده با برخی دیگر است، شناخت حاصل شود، و شیطان (لعنة الله) از این ترکیب پیچیده و درهم‌تنیده، برای گمراه کردن هر انسانی با توجه به وضعیت او، بهره می‌جوید؛ و از آنجا که انسان در این عالم جسمانی زندگی می‌کند و با این عالم جسمانی در این بُعد زمانی و این زندگانی دنیوی، در معرض آزمون است، پس نفس انسان و آنچه احاطه‌اش کرده است، هر دو محور بحث در زمینهٔ اسلحهٔ شیطان هستند؛ بنابراین شیطان (لعنة الله) برای گمراه کردن انسان و واژگون نمودنش در هاویه (اعماق و ژرفای دوزخ، از نفس و آنچه او را احاطه کرده، سلاح برمی‌گیرد؛ و آنچه انسان را احاطه کرده است، همین عالم جسمانی یا دنیاست.

بنابراین پژوهش و تحقیق حول محور دنیا و نفس انسانی از یک سو، و از سوی دیگر در زمینهٔ نفس انسانی، می‌چرخد؛ چراکه سلاح:

- یا مرگب از این عالم جسمانی و نفس انسانی است؛ مانند چاقو و جسمی که چاقو در آن فرو می‌رود؛ به‌عنوان مثال، مرد و زن زناکار؛ شیطان از زن یا مرد بهره می‌جوید؛ به‌علاوه شیطان به ضعف جنسی در این انسانی که می‌خواهد گمراهش کند و در ژرفای دوزخ به تباهی‌اش بکشد، نیازمند است. بنابراین برای مردی که با زنا خدا را نافرمانی می‌کند، زن به‌مانند چاقویی است که شیطان با آن به مرد ضربه می‌زند و ضعف جنسی او همانند مکانی است که شیطان ضربه را در آن وارد می‌کند.

- یا سلاح شیطان از درون نفس انسانی برگرفته می‌شود؛ که در این حالت، چاقو و محل فرود آمدنش هر دو یکی یعنی نفس است؛ بنابراین در این حالت، چیزی از این عالم جسمانی وجود ندارد. مثال

آن، عُجب و خود بزرگ‌بینی است. پس باید چاقو (دنیا) و جسمی که چاقو در آن فرو می‌رود (نفس) و نیز چاقوی نفسانی (چاقو و سلاحی است که از نفس گرفته و در آن فرو برده می‌شود) را بشناسیم؛ و اگر توفیق یافتیم، پس از اینکه به‌صورت سطحی و اجمالی از سلاح‌های شیطان شناختی به دست آوردیم، آن را به‌تفصیل و با جزئیات نیز خواهیم شناخت. ما به هر دو شناخت یعنی شناخت کلی و اجمالی (یعنی اینکه نفس و دنیا هر دو سلاح شیطان هستند)، و شناخت تفصیلی که در این مجال به آن نمی‌پردازم - چراکه از همان شناخت کلی منشعب می‌شود - نیازمند هستیم.» [۱۵]

آنچه از کلام سید احمد الحسن برمی‌آید نشان می‌دهد که شیطان همیشه در کمین اوست و برای به انحراف کشیدن او از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند و می‌فرماید: «سنگربندی نفس، منجر به پیروزی بر شیطان، ناکام‌کردنش و شکستن سلاحش می‌شود.» [۱۶]

ایشان در ادامه به روایتی از امام صادق (ع) اشاره می‌کند که در آن سربازان عقل و جهل را یکی پس از دیگری نام برده و مؤمنان و دوستان اولیای الهی را به شناخت و کسب سربازان عقل و دوری از سربازان جهل تشویق می‌کند:

دوستی و ضد آن تنفر و انزجار؛ راست‌گویی و ضد آن دروغ‌گویی؛ حق و ضد آن باطل؛ امانت و ضد آن خیانت؛ خلوص و پاک‌بودن و ضد آن ناخالصی‌داشتن؛ زیرکی و ضد آن کودنی؛ خوش‌فهمی و ضد آن کم‌توجهی و غفلت؛ شناخت و ضد آن انکار؛ مدارا و نرم‌عمل‌کردن و ضد آن بی‌پرده و عیان‌کارکردن؛ روراست‌بودن و ضد آن دغل‌بازی؛ کتمان و ضد آن فاش‌کردن؛ نماز و ضد آن تباه‌کردن نماز؛ روزه و ضد آن روزه‌خواری؛ جهادکردن و ضد آن فرار از جهاد؛ حج‌گزاردن و ضد آن شکستن عهد و پیمان؛ نگاه‌داشتن سخن و ضد آن سخن‌چینی؛ نیکی به پدر و مادر و ضد آن نافرمانی پدر و مادر؛ باحقیقت‌بودن و ضد آن ریاکاری؛ نیکی و شایستگی (معروف) و ضد آن زشتی و ناشایستگی (منکر)؛ خودپوشی و ضد آن خودآرایی؛ تقیه و ضد آن بی‌پروایی؛ انصاف و ضد آن تعصب و جانب‌داری از باطل؛ خودآرایی برای همسر و ضد آن زناکردن؛ نظافت و پاکیزگی و ضد آن پلیدی؛ حیا و آرم و ضد آن بی‌حیایی؛ میانه‌روی و ضد آن تجاوز از حد؛ آسودگی و ضد آن خود را به زحمت‌انداختن؛ آسان‌گرفتن و ضد آن سخت‌گیری؛ برکت و ضد آن بی‌برکتی؛ عافیت و ضد آن گرفتاری؛ اکتفا به غذای موردنیاز و ضد آن افزون‌طلبی؛ حکمت و ضد آن پیروی از هوس؛ سنگینی و متانت، و ضد آن سبکی و جلفی؛ سعادت و ضد آن

«خیرکه وزیر عقل است و ضد او را شرّ قرار داد که وزیر جهل است؛ ایمان و ضدّش کفر؛ تصدیق حق و ضدّش انکار حق؛ امیدواری و ضد آن ناامیدی؛ عدل و ضد آن جور و ستم؛ خشنودی و ضد آن قهر و خشم؛ شکر و ضد آن ناسپاسی؛ چشم‌داشت به رحمت خدا و ضد آن یأس از رحمتش؛ توکل و ضد آن حرص و آز؛ دل‌رحمی و ضد آن قساوت قلب؛ مهربانی و ضد آن خشم و غضب؛ دانایی و ضد آن نادانی؛ فهمیدن و ضد آن حماقت؛ عفت و خودداری‌کردن و ضد آن پرده‌داری؛ پارسایی و ضد آن رغبت به دنیا؛ نرمی و خوش‌رفتاری و ضد آن بدرفتاری؛ پروا داشتن و ضد آن گستاخی؛ تواضع و ضد آن خودبرتربینی؛ متانت و ضد آن شتاب‌زدگی؛ خردمندی و ضد آن بی‌خردی؛ خاموشی و ضد آن بیهوده‌گویی؛ فرمان‌برداری و ضد آن گردن‌کشی؛ تسلیم و ضد آن شک؛ صبر و ضد آن بی‌تابی؛ چشم‌پوشی و ضد آن انتقام‌جویی؛ بی‌نیازی و ضد آن فقر و نیازمندی؛ به‌یادآوردن و ضد آن زیادبردن؛ به‌خاطر سپردن و ضد آن فراموشی؛ ابراز علاقه و ضد آن جدایی و قطع ارتباط؛ رضایت‌مندی به قسمت و ضد آن حرص‌ورزی؛ تشریک‌مساعی و ضد آن دریغ و خودداری؛ دوستی و ضد آن دشمنی؛ وفاداری و ضد آن بی‌وفایی؛ فرمان‌برداری و ضد آن نافرمانی؛ فروتنی و ضد آن خود بزرگ‌بینی؛ تندرستی و ضد آن مبتلاشدن؛



شقاوت؛ توبه و ضد آن اصرار برگناه؛ درخواست آمرزش و ضد آن بیهوده طمع بستن؛ دقت و مراقبت و ضد آن سهل انگاری؛ دعا کردن و ضد آن امتناع از دعا؛ شادابی و ضد آن کسالت؛ دل شاد بودن و ضد آن اندوه؛ دوستی و به هم پیوستن و ضد آن جداسدن؛ بخشش و سخاوت و ضد آن بخیل بودن.

تمامی این صفات و خصوصیات که جملگی لشکریان عقل اند، جز در پیامبر، وصی و جانشین او یا مؤمنی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده است جمع نشود؛ اما دیگر دوستان ما برخی از این ها را دارند تا به تدریج همه را دریابند و از لشکریان چهل پاک شوند؛ آنگاه با پیامبران و اوصیایشان در مقام اعلی همراه شوند [یعنی اگر عقلش کامل شود، از اهل آسمان هفتم خواهد بود که همان آسمان عقل است] و این سعادت جز با شناختن عقل و لشکریانش و دوری گزیدن از چهل و لشکریانش به دست نیاید. خدا ما و شما را به فرمان بری و رضایتمندی اش موفق بدارد. [۱۷]

تا زمانی که خود را شناسیم، نمی توانیم به شناخت خداوند دست یابیم. خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) (و من جن و انس را نیافریدم، مگر برای این که مرا [به یکتایی] پرستش کنند). «ای لیعرفون؛ یعنی مرا بشناسند» [۲۱]

بنابراین، هدف از خلقت ما شناخت خداوند و عبادت الهی است. هدف اصلی از خلقت، عبادت است؛ یعنی معرفت، و معرفت از دل عبادت به دست می آید. لذا، همنشینی با خداوند همان کمال است که جز با شناخت و معرفت خدا ممکن نیست، و این معرفت و شناخت خداوند از طریق خودشناسی و خودسازی میسر می شود. سید احمد الحسن می فرماید: «پس ما عبادت می کنیم تا به شناخت و معرفت برسیم و در عبادتی که صاحبش را به خداوند نزدیک نکند هیچ خیری نیست؛ به این ترتیب، عبادت، معرفت و شناخت انسان به خداوند سبحان و متعال را افزایش می دهد؛ به عبارت دیگر، انسان برای به تکامل رسیدن از نظر روحی و ارتقا به بالاترین مراتب این کمالی که برای انسان امکان پذیر است، خلق شده است» [۲۲]

اساس و پایه رشد هر شخص از طریق خودشناسی به دست می آید؛ چرا که خودشناسی زمینه ای ایجاد می کند تا انسان بتواند به سربازان عقل مجهز شود. در واقع، خودشناسی نشان می دهد به چه سربازان عقلی مسلح هستیم و در کجا ضعف داریم تا با خودسازی و تجهیز هرچه بیشتر خویش به سربازان عقل، به مطلوب دست یابیم. وقتی انسان به خودشناسی می رسد، احساس شرافت و کرامت می کند و از تن دادن به حوائج دنیوی و لذا ید آن بیزاری می جوید؛ زیرا حقیقت خود را شناخته است که همان روح پاک الهی است. امام باقر (ع) در سفارش خود به جابر جعفی می گوید: «هیچ شناختی چون شناخت تو از نفست نیست» [۱۸] و امام علی (ع) بزرگترین کامیابی را دست یافتن به خودشناسی می داند. [۱۹]

به نظر شما، چرا خودشناسی از اهمیت بالایی برخوردار است؟ در اینجا روایتی از پیامبر مکرم اسلام (ص) و نیز امام علی (ع) را ذکر می کنیم که در آن خودشناسی مقدمه و دلیل خداشناسی معرفی می شود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» «کسی که خود را بشناسد تحقیقاً پروردگارش را خواهد شناخت» [۲۰]



در پایان

بیایید از خود سؤال کنیم:
 آیا به درستی از خود شناخت داریم؟
 اگر به خودشناسی رسیده‌ایم، آیا شواهدی در وجودمان هست که نشان از صفات نیک داشته باشد؟ به عنوان مثال، صدقه دادن یکی از صفات نیکو و پسندیده و از سربازان عقل است، هدفمان از صدقه دادن چیست؟
 آیا صدقه را برای رضای خدا می‌دهیم یا رسیدن به بهشت؟!
 اگر هدفمان بهشت باشد، دیگر اخلاص در عمل ما نیست! پس چگونه می‌خواهیم به خودسازی برسیم؟
 آیا در مسیر خودشناسی راه میان‌بر وجود دارد؟
 مگر می‌شود بدون تلاش خالصانه در خودشناسی، به خودسازی رسید؟
 مگر هدفی والاتر از تکامل روحی داریم؟! اگر هدفمان تکامل و ارتقای روح است، پس باید در خودشناسی دقیق باشیم.

اگر هدفمان رضای خداست، باید خالص و منصفانه عمل کنیم. خود را از نگاه دیگران ببینیم: آیا با تعریف و تشویق آنان دل‌هایمان راضی و خشنود می‌شود؟ آیا با تشویق آنان دچار عُجب نمی‌شویم؟ اگر با تعریف و تمجید آنان احساس تکبر و برتری‌جویی به ما دست بدهد، از این عمل چه سود؟ جز فریب‌کاری و ظاهر‌نمایی!

انسان باید دارای کرامت نفس باشد و از دورویی به دور باشد. دورویی یا نفاق یکی از نشانه‌های رذایل اخلاقی است، یکی از صفات ناپسند و نکوهیده‌ای که اگر انسان دچارش شود، سبب دوری از خدا می‌گردد.

اگر سربازان جهل را در وجود خویش به وضوح می‌بینیم، باید در تلاش برای محو آن و تبدیل آن به سربازان عقل باشیم و اگر بیشترین تعداد سربازان عقل را دارا باشیم، این از فضل خداوند است که شامل حالمان شده و شایسته شکرگزاری بی‌کران از اوست.

والحمد لله وحده

ادامه دارد ...

منابع:

- [۱] مکارم اخلاق، ص ۸.
- [۲] تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۴۰، ج ۴۸۶۲.
- [۳] سید احمد الحسن، جهاد درب بهشت است، ص ۱۳.
- [۴] صفحه فیس بوک سید احمد الحسن، ۲۸ مارس ۲۰۲۱ میلادی.
- [۵] صفحه فیس بوک سید احمد الحسن.
- [۶] آیه ۹ سوره نجم، تا به قدر (فاصله) دو کمان، یا نزدیکتر. منظور فاصله‌ی پیامبر (ص) تا مقام ربوی به اندازه (فاصله) دو کمان یا کمتر از آن بود. برای اطلاعات بیشتر به کتاب نبوت خاتم، نبوت حضرت محمد (ص) نوشته‌ی سید احمد الحسن، ص ۴۱ مراجعه کنید.
- [۷] لغت‌نامه دهخدا، ج ۲۱، ص ۸۴۶.
- [۸] اعلام الدین، ص ۳۴۴. ملاصدرا، اسفار اربعه، تهران، انتشارات حیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۳۵۵.
- [۹] سایت ویکی فقه



- [۱۰] محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۵۶۷. غررالحکم: ۹۰۳۴.
- [۱۱] آیه ۵۳ سوره یوسف.
- [۱۲] کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۳۳۵.
- [۱۳] سید احمد الحسن، جهاد درب بهشت است، مبحث نفس.
- [۱۴] همان، مبحث جهاد اکبر (جهاد با نفس).
- [۱۵] همان.
- [۱۶] همان مبحث نفس.
- [۱۷] همان.
- [۱۸] تحف العقول، ص ۲۸۶.
- [۱۹] غررالحکم، ج ۶، ص ۱۷۲.
- [۲۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲.
- [۲۱] جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۳۱؛ الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.
- [۲۲] سید احمد الحسن، جهاد درب بهشت است، مبحث پیشرفت تمدن مادی و تکامل روحی.



المنقذ، روایت‌های انتخاب‌شده سلسله‌مقالات تربیت‌فرزند

به قلم لمی المؤمن

راه‌حل در خانه شماست
| قسمت ششم: کودک بدغذای من!



مقدمه:

به ششمین قسمت از سلسله مقالات "راه حل فقط در خانه شما" خوش آمدید. کودکان، گل‌های باغ زندگی و آیین‌های از معصومیت و پاکی‌اند. اماگاهی همین فرشته‌های کوچک، با بی‌اشتهایی خود نگرانی‌های بزرگی برای والدین، به‌ویژه مادران، ایجاد می‌کنند. آیا شما هم با چالش غذا نخوردن کودک خود مواجه شده‌اید؟ آیا نگران رشد و سلامت فرزندتان هستید؟ در این مقاله، با بررسی علل بی‌اشتهایی کودکان و ارائه راهکارهای عملی، به شما کمک می‌کنیم این مشکل را با آرامش و آگاهی برطرف سازید. خداوند در کتاب عزیزش می‌فرماید: (مال و فرزندان، زینت زندگی دنیا هستند). [۱]

علل بی‌اشتهایی در کودکان



مادرگرایی، پیش از هر چیز به یاد داشته باش که اندازه معده کودک، به اندازه یک مشت کوچک است؛ بنابراین او را مجبور نکن که مانند یک فرد بزرگسال غذا بخورد. همچنین اشتهای کودک در دوران بیماری با زمانی که در سلامت کامل است، کاملاً متفاوت خواهد بود. برخورد با مسئله اشتهای کودک باید با آرامش، درک و صبوری همراه باشد؛ زیرا امتناع کودک از غذا خوردن می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد، از جمله:

- عادات غذایی نادرست، مانند مصرف تنقلات یا شیرینی‌جات پیش از وعده‌های اصلی.

- تغییرات روحی و روانی، نظیر استرس ناشی از مدرسه، دوری از والدین یا فشارهای درسی.

- مشکلات جسمانی، مانند کم‌خونی، عفونت‌ها، انگل‌های روده یا التهاب لوزه‌ها.

- کمبود ویتامین‌ها و مواد معدنی، به‌ویژه آهن، روی و ویتامین D.

۱۰ راهکار عملی برای افزایش اشتهای کودک دلبندتان

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «محبوبترین غذا نزد خدا، غذایی است که دستهای بسیاری بر آن دراز شود. جمعی غذا بخورید و پراکنده نباشید، زیرا برکت در اجتماع است.» [۲]
بر این اساس، پیشنهادهای زیر برای ایجاد اشتهای کودک و عادت دادن او به تغذیه سالم ارائه می شود:

راهکارهای عملی:



۱. کودک را در جمع خانواده و کنار دیگران غذا بدهید.



۲. از اجبار و تهدید برای غذا خوردن پرهیز کنید.



۳. وعدههای غذایی را به موقع و در محیطی آرام سرو کنید.



۴. غذاها را با شکل های جذاب و رنگارنگ تزئین کنید.



۵. از کودک بخواهید در تهیه غذا به شما کمک کند.



۶. غذاهای جدید را با داستانها و بازیهای کودکانه معرفی کنید.



۷. غذاهای متنوع و مغذی آماده کنید تا کودک از خوردن آنها خسته نشود.



۸. میان وعده‌های سالم مانند میوه‌های خردشده، مغزها یا ماست را در برنامه روزانه بگنجانید.



۹. از مصرف غذاهای صنعتی و فرآوری شده مانند سوسیس، کالباس و تنقلات شیرین پرهیز کنید.



۱۰. از جملات مثبت و انگیزشی استفاده کنید: «اگر این سوپ را بخوری، مثل قهرمان‌ها قوی می‌شوی!»

چه زمانی باید به پزشک مراجعه کنیم؟

اگر بی‌اشتهایی کودک با یکی از علائم زیر همراه بود، حتماً به پزشک مراجعه کنید:

• کاهش وزن یا توقف رشد.

• خستگی و بی‌حالی مداوم.

• استفراغ یا اسهال مکرر.

• علائم کم‌خونی مانند رنگ‌پریدگی و ضعف.

سخن پایانی

کودکان امانت‌های الهی هستند و سلامت آنان، آرامش خانواده را تضمین می‌کند. بی‌اشتهایی کودکان، اگرچه می‌تواند نگران‌کننده باشد، اما با صبر، خلاقیت و مشورت با متخصصان می‌توان آن را مدیریت کرد. به یاد داشته باشید هر کودک، شخصیت و ذائقه منحصر به فردی دارد؛ او را با دیگران مقایسه نکنید و با عشق و حوصله راهی برای تشویق او به غذا خوردن پیدا کنید.

در پایان، از خداوند متعال می‌خواهیم که فرزندانمان را در پناه خود حفظ کند و از هرگونه بدی و رنج دور نگه دارد، چراکه آنان نسل آینده و امیدهای پیش روی ما هستند. و آخرین سخن ما این است:

الحمد لله رب العالمین، و الصلاة والسلام علی محمد و آل محمد، الأئمة و المهدیین، و سلم تسليماً كثيراً، والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

منابع:

[۱] سوره کهف، آیه ۴۶.

[۲] طب النبی، ص ۲۱.

فرازهایی از خطبه‌های نماز جمعه

سفر پررنج مؤمن، از مرگ تا بهشت

خطیب: شیخ صادق محمدی

امروز سخنان امام را نقل به مضمون می‌کنم، یعنی متن کامل کلام ایشان را ننوشته‌ام. یکی از مؤمنان از ایشان پرسید:

«برخی از مؤمنان از دنیا می‌روند، و حجت خدا شهادت می‌دهد که او بر خیر است، اما در عین حال، برخی مؤمنان او را در رؤیا می‌بینند که در حال رنج، عذاب یا درد کشیدن است.»

مضمون پاسخ امام این بود:

«درست است که عاقبت او به بهشت ختم می‌شود، اما نفس یا روح انسان باید از ایستگاه‌ها و موانع بسیاری عبور کند. این ایستگاه‌ها بسیار سخت و دشوار هستند، و آسان‌ترین آنها مرگ است؛ زیرا آنچه پس از مرگ در پیش دارد، سخت‌تر و تلخ‌تر از خود مرگ است.»